



Policy Responses to Increasing Divorce Trends

Milad Bagi ^{1✉} | Fateme Modiri ²

1. Corresponding author, Assistant Professor of Demography, Department of Social Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University. Email: m.bagi@basu.ac.ir

2. Associate Professor of Sociology, Department of Family Studies, National Institute for Population Research. Email: fateme.modiri@nipr.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024- 2 - 10

Received in revised form: 22- 5 - 2025

Accepted: 30 - 8 -2025

Published online: 2025-9-20

Keywords:

Population policies, family policies, policy challenges, family changes, divorce.

ABSTRACT

Significant changes in the family institution over the past two decades, driven by rising divorce rates and declining marriages, have prompted the government to formulate and implement various policies and programs. This study aims to examine divorce trends over the past three decades and review the government's plans and policies to identify the challenges and policy requirements related to divorce. For this purpose, we analyzed census data and reviewed policy documents. The findings indicate that all the indicators confirm an upward trend in divorce rates. In response, the government has made efforts to curb this trend by passing over 15 laws, policies, and bills. However, the continued rise in divorce rates suggests that these efforts have not been particularly successful. This lack of success can be attributed to the reactive nature of divorce policies in Iran, where legislators tend to seek solutions only after negative consequences have emerged. Furthermore, these policies have failed to adequately address economic challenges and shifting attitudes and values surrounding marriage. To enhance the effectiveness of future policies, they must be based on societal realities rather than the ideals of policymakers. Implementing comprehensive policy packages, considering the economic conditions of families, and drawing on other countries' experiences may help formulate more effective strategies.

Cite this article: Bagi, M., & Modiri, F; (2025) Policy Responses to Increasing Divorce Trends; *Journal of Social Problems of Iran*, *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (1),173-197.
<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.372451.671216>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.372451.671216>

پاسخ‌های سیاستی به روندهای افزایشی طلاق

میلاذ بگی^۱ | فاطمه مدیری^۲۱. نویسنده مسئول، استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، رایانامه: m.bagi@basu.ac.ir۲. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، رایانامه: fateme.modiri@nipr.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	تغییرات گسترده در نهاد خانواده طی دو دهه گذشته که در پی افزایش میزان‌های طلاق و کاهش ازدواج‌ها رخ داده است سبب شده تا دولت سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی را در این حوزه تدوین و اجرا کند. هدف مطالعه حاضر بررسی روندهای طلاق طی سه دهه اخیر در ایران و مرور برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در این زمینه است تا چالش‌ها و الزامات سیاستی مرتبط با طلاق مشخص گردد. تحقیق حاضر با تحلیل داده‌های سرشماری و همچنین بررسی اسناد سیاستی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که همه شاخص‌های مورد بررسی، افزایش در روندهای طلاق در ایران را تایید می‌کنند. همزمان دولت با تصویب قوانین و اجرای برنامه‌های مختلف سعی در مهار این روند افزایشی داشته است به طوری که بیش از ۱۵ قانون، سیاست و لایحه در زمینه طلاق تدوین و اجرا شده است. اما تداوم روند افزایشی طلاق مشخص می‌کند که این تلاش‌ها چندان موفقیت‌آمیز نبوده‌اند. این عدم موفقیت را می‌توان به دلیل ماهیت سیاست‌گذاری طلاق دانست که به صورت پستی است و قانون‌گذار پس از بروز پیامدهای منفی آن به دنبال راه‌حل بوده است. سیاست‌ها همچنین محدودیت‌ها و مشکلات اقتصادی و تغییرات نگرشی و ارزشی در مورد ازدواج را نادیده گرفته است. بر این اساس، برای اثربخشی بیشتر سیاست‌ها نیاز است تا سیاست‌ها بر اساس واقعیات جامعه تدوین شوند نه ایده‌آل‌های سیاستمداران. اجرای بسته‌های سیاستی به جای سیاست‌های منفرد، توجه به وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و بررسی تجربه سایر کشورها می‌تواند به تدوین سیاست‌های کارآمدتر یاری رساند.
کلیدواژه‌ها:	
سیاست‌های جمعیتی، سیاست‌های خانواده، چالش‌های سیاستی، تغییرات خانواده، طلاق.	

استناد: بگی، میلاذ و مدیری، فاطمه؛ (۱۴۰۴) پاسخ‌های سیاستی به روندهای افزایشی طلاق، بررسی مسائل اجتماعی/ایران، ۱۶(۱)، ۱۷۳-۱۹۷.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.372451.671216>DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.372451.671216>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه و بیان مسأله

همسو با تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جمعیتی که در دهه‌های اخیر در ایران رخ داده است، خانواده ایرانی نیز تغییراتی را در ابعاد مختلف خود تجربه کرده است. این تغییرات در جنبه‌هایی مثل ساختار و بعد خانوار، بالا رفتن میانگین سن ازدواج (بگی ۱۴۰۲، رشادی و قیصریان ۱۴۰۱، ترابی و شمس قهفرخی ۱۴۰۰، باقری و همکاران ۱۳۹۸)، افزایش تجرد قطعی (امامی و همکاران، ۱۴۰۰؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ شهنواز و اعظم آزاده ۱۳۹۷؛ کارگر فلاح و پوریوسفی، ۱۳۹۶)، کاهش فرزندآوری (فروتن و کرمی، ۱۳۹۵؛ قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۷؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ مدیری، ۱۳۹۶؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۷؛ محمودیانی و همکاران، ۱۳۹۸) و افزایش طلاق (دماری و همکاران ۱۴۰۱، عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۹۸، صادقی ۱۳۹۶) مشهود است.

در میان ابعاد مختلف خانواده که دچار تغییر شده‌اند، طلاق به لحاظ اجتماعی و مذهبی همواره مورد مذمت قرار گرفته است. با این حال روندها نشان می‌دهد که روندهای طلاق در ایران حالتی افزایشی داشته است (مرکز آمار ایران ۱۴۰۰، فتحی ۱۳۹۶). میزان خام طلاق در ایران در ۱۳۶۰ برابر با ۰/۸ در هزار بود (سازمان ملل ۲۰۱۸) که در ۱۳۹۵ به ۲/۳ در هزار رسیده است (بنی هاشمی و همکاران ۱۳۹۷). این شاخص اگرچه به نسبت کل جمعیت سنجیده می‌شود و مشکلات شاخص‌های خام را دارد، اما برای مقایسه بین جوامع بسیار مفید است. این افزایش در دیگر شاخص‌های نیز مشاهده می‌شود. میزان خالص طلاق در سال ۱۳۷۵ حدود ۱/۶ در هزار بود که در آخرین سرشماری به ۴/۳ در هزار رسیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). بایستی توجه داشت که افزایش طلاق مختص جامعه ایرانی نیست و یک روند جهانی است (ژانگ^۱ ۱۹۹۷، گونزالز و ویتانن^۲ ۲۰۰۹، ریچکن و لیفبرور^۳ ۲۰۱۲، لویپلد^۴ ۲۰۱۶). با این حال آنچه روندهای جهانی آشکار می‌سازد این است که سرعت افزایش طلاق در کشورهای در حال توسعه در چند دهه اخیر بیش از کشورهای توسعه‌یافته بوده است (مو^۵ ۲۰۱۶). برای مثال میزان خام طلاق طی دوره ۲۰۱۸-۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا ۴۵ درصد و در انگلستان ۳۱ درصد کاهش داشته است و برای سوئد بدون تغییر باقی مانده است. در حالی که در کشورهای ترکیه ۳۰۰، هنگ‌کنگ ۲۱۲، کره جنوبی ۲۵۰ و سنگاپور ۱۱۴ درصد افزایش داشته است (سازمان ملل ۲۰۱۸). بر اساس آمارهای ارائه شده در ایران، این شاخص طی دو دهه افزایشی ۱۸۷ درصدی را تجربه کرده است. آمارها حاکی از آن است که ایران بالاترین میزان رشد طلاق را در میان کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا دارد (فرزانگان و قلی‌پور ۲۰۱۶).

از هم پاشیده شدن خانواده‌ها در اثر طلاق، مشکلات اجتماعی و متعاقباً هزینه‌های اجتماعی برای مقابله با این مشکلات را افزایش می‌دهد. طلاق یک اتفاق ناخوشایند در زندگی بسیاری از زوجها است. تأثیرات منفی گسترده‌ای بر خانواده‌ها و به ویژه کودکان دارد که پیامدهای آن به نوبه خود می‌تواند نگرش کودکان را نسبت به ازدواج و مشارکت مدنی در زندگی بزرگسالی آنها شکل دهد (امانی و همکاران ۱۳۹۸، حیاتی و سلیمانی ۱۳۹۷، قمری گیوی و خشنودنیای ۱۳۹۵). تحقیقات اجتماعی نشان می‌دهد که کودکان خانواده‌هایی که هر دو والد در آن حضور دارند، سالم‌تر هستند، در مدرسه عملکرد بهتری دارند و احتمال بروز جرم و جنایت یا سایر رفتارهای مخرب در میان آنها کمتر است (فاگان ۲۰۰۱). طلاق همچنین پیامدهای اقتصادی قابل توجهی دارد که اثرات منفی آن بر سلامت و رفاه افراد چشمگیر است و این امر برای زنان و کودکان بیش از مردان است (آندره و همکاران^۶ ۲۰۰۶، یونک^۷ ۲۰۰۴).

1. Zhang
2. González & Viitanen
3. Rijken & Liefbroer
4. Leopold
5. Mo
6. Andre
7. Uunk

این پیامدهای منفی، نگرانی‌های متعددی را در میان محققان و برنامه‌ریزان در پی داشته است. از این رو در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر، برنامه‌ها و سیاست‌های متعددی برای تشویق افراد به ازدواج و تحکیم روابط زناشویی تدوین و اجرا شده‌اند. تنها طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۳ در پنج قانون، دو طرح اجرایی، یک لایحه و سه مورد سیاست‌گذاری به موضوع ازدواج و تسهیل و تحکیم آن پرداخته شده است (بگی ۱۴۰۱). این تلاش‌ها در راستای آن است که هم دانشمندان علوم اجتماعی و هم سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به این باور رسیده‌اند که ازدواج‌های موفق، کلیدی برای بهبود رفاه فردی و اجتماعی هستند. فاگان^۱ (۲۰۰۱) در بررسی اقدامات انجام شده در ایالات متحده بیان می‌کند که برنامه‌های اجتماعی با هدف تقویت ازدواج می‌تواند طلاق را در جامعه تا ۳۰ درصد کاهش دهد. با این حال به نظر می‌رسد شرایط در ایران متفاوت است. اگرچه نگرش‌های فرهنگی، یافته‌های تحقیقات اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی اهمیت حمایت از ازدواج و کاهش وقوع طلاق را تشخیص داده‌اند، اما سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی همچنان از نواقص و کمبودهایی رنج می‌برد. باجلان و ارحامی (۱۳۹۸) معتقدند که اگرچه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور کاهش طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی طی دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، با این حال توجه به آن در متون سیاست‌گذاری بسیار کم‌رنگ بوده است. این در حالی است که پژوهش‌های دانشگاهی به صورت مکرر در مورد روندهای افزایشی طلاق و پیامدهای آن هشدار داده‌اند (ملفت و همکاران ۱۳۹۹، عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۹۸).

مطالعات پیشین در حوزه طلاق در ایران چند نکته را آشکار می‌سازد. نخست اینکه بیشتر مطالعات انجام گرفته به صورت مقطعی به بررسی طلاق پرداخته‌اند و روند تحولات آن در دهه‌های اخیر کمتر مورد توجه بوده است. دوم، تقریباً تمامی آن‌ها به صورت موردی بر یکی از جنبه‌های طلاق متمرکز شده‌اند و شاخص‌های محدودی در مطالعات بکار گرفته شده است. بدین صورت که یا به آمارهای طلاق و تعیین‌کننده‌های آن یا به پیامدهای طلاق برای اعضای خانواده پرداخته‌اند. سوم، مطالعات در رابطه با سیاست و قوانین مرتبط با طلاق، انگشت شمارند و سیاست‌های موجود کمتر مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته‌اند. بر این اساس، مطالعه حاضر سعی دارد تا به سوالات زیر پاسخ دهد: ۱) روند طلاق در ایران طی سه دهه گذشته چه تغییراتی را تجربه کرده است؟ ۲) دولت چه برنامه‌ها و سیاست‌هایی را در زمینه طلاق تدوین و اجرا کرده است؟ ۳) مهم‌ترین چالش‌های موجود بر سر راه سیاست‌گذاری در مورد طلاق کدام‌اند و چه پیشنهادات سیاستی می‌توان برای برون‌رفت از این چالش‌ها ارائه کرد؟

با توجه به تأکید اسناد بالادستی کشور از جمله سیاست‌های ابلاغی جمعیت و خانواده و سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبنی بر "تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و خانواده محور"، رصد وضعیت خانواده ایرانی و تغییرات آن (که طلاق یکی از ابعاد مهم آن است) از اهمیت به سزایی برخوردار است. بایستی توجه داشت که بررسی روندهای مرتبط با تغییرات خانواده تا حد زیادی می‌تواند به شناخت ما از وضعیت موجود و آمادگی برای تغییرات پیش‌رو یاری رساند. چرا که گذشته، حال و آینده با هم در ارتباط هستند و زمان حال نمی‌تواند بی‌تأثیر از گذشته باشد. مطالعه حاضر همچنین ما را در به تصویر کشیدن چالش‌های این حوزه یاری رسانده و راهنمایی لازم برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را فراهم می‌کند.

پیشینه تحقیق

طلاق به عنوان یکی از مسائلی که می‌تواند پیامدهای مهمی برای تغییرات خانواده و جامعه در پی داشته باشد همواره مورد توجه بوده است. بر این اساس بخش مهمی از ادبیات موجود در خانواده به موضوع طلاق اختصاص دارد. دمرای و همکاران (۱۴۰۱) ضمن اشاره به این موضوع که روند طلاق طی دو دهه گذشته همواره افزایشی بوده است، بیان می‌کنند که طی سالیان اخیر میزان طلاق بر

میزان ازدواج پیشی گرفته است. عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۸) نیز معتقدند که روند طلاق طی سالیان اخیر افزایش داشته است. اعمی بنده قرایی و همکاران (۱۴۰۲) افزایش طلاق را از مهمترین جنبه‌های تغییر خانواده بیان کرده و علل اقتصادی را از مهم‌ترین عوامل آن برشمردند. دوهرتی^۱ و همکاران (۲۰۲۰) هم ایران را جامعه‌ای بیان می‌کنند که افزایش سریع طلاق را تجربه کرده است و عدم توجه کافی زوجین به یکدیگر و خشونت همسر را دلیل مهم بسیاری از طلاق‌ها در ایران نام می‌برند. نخعی و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند که توجه به افزایش نرخ طلاق در ایران نیاز به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه بر اساس شرایط فرهنگی جامعه دارد. تاکید بر افزایش طلاق در مطالعه آقاجانیان و تامپسون^۲ (۲۰۱۳) نیز دیده می‌شود. آن‌ها به این نکته اشاره می‌کند که علیرغم سنت‌های قوی فرهنگی-مذهبی و ممنوعیت‌های قانونی که در مورد طلاق وجود دارد، اخیراً رشد بی‌سابقه‌ای در تعداد و میزان طلاق در ایران پدیدار شده است. صادقی و آقاجانیان (۲۰۱۹) در بیان افزایش طلاق در ایران بیان می‌کنند که از اواسط دهه ۱۹۹۰ میزان طلاق به سرعت افزایش یافته است. برخلاف بسیاری از مطالعات اما خانی (۱۴۰۲) معتقد است که علیرغم افزایش طلاق، وضعیت طلاق در ایران مسأله‌ای بحرانی نیست. از دید وی، رکود ازدواج در مقایسه با افزایش طلاق اهمیت بیشتری دارد و سیاست‌گذاری بایستی بر رفع موانع ازدواج تاکید کند.

افزایش میزان طلاق در جامعه سبب شده است تا محققان به دنبال چرایی این اتفاق باشند. به باور فیروزجائی‌ان و همکاران (۱۳۹۷) عمده تحقیقات انجام شده بر دو جنبه عوامل اجتماعی و اقتصادی تاکید داشته‌اند. نیازی و همکاران (۱۳۹۶) بر عوامل فرهنگی تاکید دارند. زارعان و سدیدپور (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که نابسامانی اجتماعی و پس از آن وسایل ارتباط جمعی بیشترین نقش را در طلاق داشته‌اند. حسنی و همکاران (۱۳۹۶) خیانت و طلاق را به عنوان دو عامل اصلی طلاق بیان می‌کنند. مشکی و همکاران (۱۳۹۰) علاوه بر اعتیاد، دو مورد از مهم‌ترین عوامل را شناخت ناکافی همسر و عدم تفاهم بیان می‌کنند. در مطالعه کاظمی‌پور و خوشنویس (۱۳۹۲) عامل‌های تعیین‌کننده طلاق، در چهار گروه خصوصیات والدین، خصوصیات فردی، خصوصیات زوجین و نحوه تعامل بین آنها و دیدگاه‌ها و نگرش‌ها به ازدواج و طلاق طبقه‌بندی می‌شوند. روشنی و همکاران (۱۳۹۸) عوامل طلاق را براساس منشأ عوامل در چهار دسته همسرگزینی نادرست، نقص دانش و مهارت همسران، عملکرد نامطلوب همسران و شرایط اقتصادی نامطلوب نشان دادند. نخعی و همکاران (۲۰۲۰) دلایل طلاق را در سه عامل اصلی خلاصه می‌کنند: نخست ناتوانی در حل تعارض که منجر به اختلاف می‌شود؛ دوم، نارضایتی از نحوه ابراز عشق و عواطف همسرشان و سوم، نارضایتی از شخصیت همسر. فرزنانگان و قلی‌پور (۲۰۱۶) عوامل اقتصادی را از دلایل مهم ذکر کرده و معتقدند که افزایش هزینه‌های مسکن ثبات زناشویی را در ایران از بین می‌برد. ناباروری (شایسته و همکاران^۳ ۲۰۲۳)، خشونت همسر (اسلامی و همکاران ۲۰۲۳)، عدم رضایت جنسی و زناشویی (دانشفر و کرامت^۴ ۲۰۲۳) و ناکارآمدی قوانین و سیاست‌ها (باجلان و ارحامی ۱۳۹۸) از دیگر دلایل طلاق عنوان شده است.

فیروزجائی‌ان و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که بیشتر راهکارهای ارائه شده در مطالعات مختلف برعهده نهادهای آموزشی و خانوادگی گذاشته شده است. با این‌ها و با توجه به نقش عوامل مختلف در پیدایش وقوع طلاق، راهکارهای پیشگیری و کاهش طلاق در جامعه باید به طور جدی، قبل از ازدواج و بعد از ازدواج مورد توجه قرار گیرد. با این حال بایستی توجه کرد که نگرش نسبت به طلاق در جامعه به ویژه در بین نسل‌های جوانتر در مقایسه با گذشته تغییر کرده است. صادقی و آقاجانیان (۲۰۱۹) نشان دادند که نیمی از جوانان تهرانی در مطالعه آنها طلاق را به عنوان راه حلی برای مشکلات زناشویی مورد تایید قرار داده و یک پنجم آنها تمایل

زیادی به طلاق دارند. بگی و حسینی (۱۴۰۰) نیز در مطالعه خود نگرش مثبت به طلاق در بین نسل‌های جوان را تایید کرده بودند. نکته دیگر این است که علیرغم اینکه درخواست زنان برای طلاق با قوانین محدودتر و شرایط اجتماعی پیچیده‌تر روبرو است، اما تعداد طلاق‌هایی که به درخواست زنان اتفاق می‌افتد، در حال افزایش است (جبری و همکاران ۲۰۲۲).

بررسی مطالعات پیشین در این حوزه تغییرات خانواده نشان می‌دهد محققان با فقر داده و به ویژه داده‌های طولی روبرو هستند. همچنین پژوهش‌های اندکی در رابطه با سیاست و قوانین مرتبط با طلاق انجام شده‌اند و سیاست‌های موجود چندان مورد نقد و ارزیابی قرار نگرفته‌اند. مطالعه حاضر سعی دارد تا ضمن بررسی روندهای اصلی طلاق در ایران طی سه دهه گذشته، به بررسی قوانین و سیاست‌های موجود پرداخته و چالش‌های اصلی در این زمینه را شناسایی کند. در نهایت پیشنهادات و الزامات سیاستی در این حوزه را ارائه خواهد کرد.

ادبیات نظری

افزایش میزان‌های طلاق را می‌توان با نظریات مختلفی تبیین کرد. با این حال یکی از مهم‌ترین آن‌ها نظریه نوسازی فرهنگی است که ریشه‌های آن به نظریه نوسازی برمی‌گردد. بر اساس این نظریه، یکی از دلایل افزایش میزان‌های طلاق تغییر ارزش‌ها است. وقتی جوامع از حالت جمع‌گرا به حالتی تغییر می‌یابند که در آن ارزش‌های فردگرا در اولویت قرار می‌گیرند، در چنین حالتی ازدواج از یک نهاد اجباری به انتخاب شخصی تغییر می‌یابد و افراد در صورت برآورده نشدن انتظارات شخصی‌شان، طلاق می‌گیرند (اینگلههارت و ولزل^۱ ۲۰۰۵). نوسازی همچنین با برابری جنسیتی بیشتر همراه است که بر میزان‌های طلاق تاثیرگذار خواهد بود. با گسترش آموزش زنان و پیوستن آن‌ها به نیروی کار، استقلال اقتصادی آن‌ها افزایش یافته و زنان را قادر می‌سازد تا ازدواج‌های نامطلوب را در هر شرایطی تحمل نکرده و طلاق بگیرند (چارلین^۲ ۲۰۰۴). چنین تغییراتی می‌تواند زوج‌ها را تشویق کند که اگر احساس کنند نیازها و انتظارات شخصی آنها در ازدواج برآورده نمی‌شود، به ازدواج خود پایان دهند (گیدنز^۳ ۱۹۹۲). تغییرات فرهنگی مرتبط با نوسازی همچنین باعث تقویت نگرش‌های لیبرال نسبت به ازدواج و طلاق می‌شود. به عنوان مثال طلاق دیگر یک انگ اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شود و قبح اجتماعی آن از بین می‌رود. لذا افراد در پایان دادن به ازدواج ناخوشایند خود احساس آزادی بیشتری خواهند داشت (لستهاگه و نیدرت^۴ ۲۰۰۶).

با افزایش طلاق در جامعه، نظرات مختلفی نیز در رابطه با موفقیت یا عدم موفقیت سیاستگذاری در این زمینه مطرح می‌شود. یکی از این موارد به سیاست‌ها و قوانین طلاق‌های توافقی برمی‌گردد. قوانین طلاق توافقی به دلیل ناکامی در ارتقای ثبات زناشویی با انتقاداتی مواجه شده است. واردل^۵ (۱۹۹۱) معتقد است که این سیاست‌ها برای ساده‌سازی روند قانونی طلاق طراحی شده‌اند، اما به دلیل ناتوانی در حل مسائل و مشکلات ازدواج، ناخواسته به افزایش میزان طلاق منجر می‌شوند. طلاق توافقی بار عاطفی و مالی مرتبط با طلاق را کاهش می‌دهد با این حال این تسهیل‌سازی روند طلاق به طور ناخواسته آستانه تحمل افراد را کاهش می‌دهد و ممکن است با کوچکترین اختلاف افراد به جای حل مشکلات مربوطه رو به طلاق بیاورند. این قوانین همچنین می‌تواند مسئولیت‌پذیری در مقابل چالش‌های زندگی مشترک را کاهش دهد. واردل همچنین معتقد است که طلاق توافقی می‌تواند اثرات

1. Inglehart & Welzel
2. Cherlin
3. Giddens
4. Lesthaeghe & Neidert
5. Wardle

فرهنگی داشته باشد. در دنیای امروزی و با افزایش فردگرایی، با توجه به اینکه رضایت و خشنودی فردی بر وظایف زناشویی ارجحیت دارد، قوانین طلاق توافقی این باور را تقویت می‌کند که ازدواج یک نهاد غیرضروری است. این بافت فرهنگی به پذیرش فزاینده طلاق کمک کرده و لذا ازدواج‌هایی که ممکن بود از طریق تعهد و تلاش حفظ شود را از بین می‌برد.

از دیگر جنبه‌های سیاستگذاری در حوزه طلاق که به عدم موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌ها برای کاهش طلاق منجر شده است، محدودیت‌های اقتصادی در سیاستگذاری است. همانگونه که در بخش مرور پیشینه تحقیق نیز به آن اشاره شد، مشکلات اقتصادی یکی از دلایل اصلی فروپاشی نهاد ازدواج است. فشارهای اقتصادی می‌تواند منجر به افزایش تنش و تضاد در خانواده شود. سیاست‌هایی که نتوانسته‌اند به این عوامل استرس‌زای اقتصادی رسیدگی کنند، عامل مهمی را که بر میزان طلاق تأثیر می‌گذارد، نادیده می‌گیرند (استیونسون و ولفرز^۱ ۲۰۰۷). در واقع یکی از جنبه‌های کلیدی در شکست سیاست‌های کاهش طلاق، عدم ادغام بین سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌های رفاه خانواده است. سیاست‌هایی که امنیت اقتصادی را ارتقا داده و آن را تضمین می‌کنند، می‌توانند محیطی حمایتی برای خانواده‌ها و زوج‌ها ایجاد کنند و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به‌جای تلاش برای برآوردن نیازهای اولیه، بیشتر در روابط خود سرمایه‌گذاری کنند.

دیدگاه‌های فمینیستی هم سیاست‌های مرتبط با طلاق را بررسی می‌کنند. این دیدگاه‌ها تأکید می‌کنند که بسیاری از سیاست‌ها، واقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی پیش روی زنان را در نظر نمی‌گیرند. آنها استدلال می‌کنند که سیاست‌های طلاق از نظر تاریخی در رسیدگی به نابرابری‌های جنسیتی، هم از نظر اقتصادی و هم در مسئولیت‌های مراقبتی شکست خورده‌اند. برای مثال فاینمن^۲ (۱۹۸۳) معتقد است که سیاست‌های طلاق اغلب به اندازه کافی به نابرابری‌های اقتصادی بین مردان و زنان نمی‌پردازند؛ موضوعی که می‌تواند منجر به عدم تعادل قدرت در نهاد ازدواج و خانواده شود. نقدهای فمینیستی به نظام حقوقی حاکم بر طلاق نیز می‌رسد. از لحاظ تاریخی، قوانین طلاق اغلب با دیدگاهی مرد محور طراحی شده‌اند، که حساسیتی نسبت به چالش‌های منحصر به فرد زنان در دادرسی طلاق ندارند. از نظر این دیدگاه، سیاست‌هایی موفق خواهند بود که هنجارها و انتظارات فرهنگی در مورد ازدواج و زندگی خانوادگی را که بر مردان و زنان تأثیر متفاوتی می‌گذارد، بشناسند و به آنها رسیدگی کنند.

در مجموع، ادبیات نظری نشان می‌دهد که افزایش میزان طلاق را نمی‌توان صرفاً ناشی از یک عامل دانست، بلکه این پدیده حاصل تعامل پیچیده‌ای از تغییرات فرهنگی، ساختاری، اقتصادی و حقوقی است (جدول ۱). همچنین ناکامی سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه عمدتاً به دلیل رویکردهای تک‌بعدی و عدم توجه به ابعاد اجتماعی و جنسیتی گسترده‌تر بوده است. این مقاله تلاش دارد تا در پرتو این چهارچوب مفهومی، تحلیل جامعی از عوامل مؤثر بر طلاق و چالش‌های سیاست‌گذاری مرتبط با آن ارائه دهد.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر افزایش طلاق در ابعاد مختلف

بُعد	عوامل کلیدی مؤثر بر وقوع طلاق	نتیجه
فرهنگی-ارزشی	فردگرایی، تغییر هنجارهای ازدواج و طلاق	افزایش پذیرش طلاق به‌عنوان یک انتخاب شخصی
جنسیتی-اجتماعی	برابری جنسیتی، استقلال زنان، نابرابری‌های حقوقی	افزایش توان خروج از ازدواج‌های نامطلوب و نقد ساختارهای قانونی مردمحور
اقتصادی-ساختاری	فشارهای مالی، نبود سیاست‌های حمایتی اقتصادی	تشدید تنش‌های خانوادگی و فروپاشی رابطه ازدواجی
حقوقی-سیاست‌گذاری	تسهیل طلاق، عدم مسئولیت‌پذیری قانون‌گذار، نبود ملاحظات اجتماعی	تصویب قوانین بدون توجه به تبعات فرهنگی و اجتماعی طلاق

روش تحقیق

پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. بخشی از تحقیق که مربوط به بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده است به صورت اسنادی انجام شد. بخش دوم تحقیق نیز با استفاده از تکنیک تحلیل ثانویه صورت گرفت. بر این اساس داده‌ها و اطلاعاتی که توسط سایر سازمان‌ها گردآوری شده است، مورد بررسی قرار گرفتند. برای انجام تحلیل‌ها از دو منبع استفاده شد عبارتند از: (۱) داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۶۵ که توسط مرکز آمار ایران گردآوری شده‌اند. (۲) تعداد طلاق‌ها که توسط مرکز آمار ایران برای دوره ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۱ منتشر شده است و در پیوند که در پاورقی آورده شده است^۱ در جدولی با عنوان "ازدواج و طلاق ثبت‌شده در کشور" قابل دسترسی است. شاخص‌های میزان خام طلاق و نسبت طلاق به ازدواج حاصل بررسی این داده‌ها است.

در تحلیل داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن از داده‌های دو درصد منتشر شده توسط مرکز آمار ایران استفاده شده است. این داده‌ها در وبسایت سازمان مذکور در دسترس همگان قرار دارد. لازم به ذکر است که داده‌های سال ۱۳۸۵ به صورت ۲۰ درصد از کل جمعیت ایران می‌باشد. شاخص‌هایی که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: میزان خام طلاق که نشان‌دهنده تعداد طلاق‌های رخ داده در جمعیت به ازای هر یک هزار نفر است و از تقسیم تعداد طلاق‌ها در سال مورد مطالعه بر جمعیت همان سال محاسبه می‌شود. میزان خالص طلاق نیز از تقسیم تعداد طلاق‌های صورت گرفته طی یک سال معین بر جمعیت افراد دارای همسر در وسط همان سال به دست می‌آید. نسبت طلاق به ازدواج که بیانگر تعداد طلاق‌ها به ازای هر ۱۰۰ ازدواج می‌باشد و از تقسیم تعداد طلاق‌ها بر تعداد ازدواج‌ها ضرب در عدد ۱۰۰ به دست می‌آید. الگوهای سنی طلاق که با شاخص میزان طلاق ویژه سنی مشخص می‌شود و نسبت طلاق‌ها به ازای ۱۰۰۰ زن متاهل در هر گروه سنی را نشان می‌دهد.

برای بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در زمینه طلاق، متون حقوقی، قوانین تصویب شده و اسناد بالادستی در دوره پس از انقلاب مورد مطالعه قرار گرفت. بیشتر این موارد از پایگاه اطلاعاتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شد. همچنین سیاست‌های ابلاغی جمعیت و خانواده مورد بررسی قرار و مطالعه قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش ارائه خواهد شد. در ابتدا به بررسی وضعیت طلاق و روندهای آن طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ اشاره خواهد شد. سپس سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده در حوزه طلاق مرور خواهند شد.

وضعیت طلاق و روندهای آن

به طور کلی، تعداد طلاق‌ها در چند دهه‌ی اخیر روندی افزایشی داشته است. هرچند با نگاهی به روندها شاهد هستیم که در برخی دوره‌ها از تعداد آن‌ها کاسته شده است (جدول ۲). بیشترین درصد افزایش در کل کشور در دوره ۱۳۸۰-۱۳۷۵ رخ داده است که رقم ۶۰/۱۴ درصد را به ثبت رسانده است. برای مناطق شهری بیشترین افزایش در دوره همین دوره با رقم ۶۷ درصد و برای مناطق روستایی در دوره ۱۳۸۵-۱۳۸۰ رخ داده است به طوری که با افزایشی ۱۵۵/۸ درصدی در تعداد طلاق‌ها روبرو بوده‌ایم. با بررسی روندها مشخص می‌شود که این افزایش ناگهانی حاصل بالا بودن تعداد طلاق‌ها در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بوده است. در واقع تعداد

1. <https://amar.org.ir/statistical-information/statid/21792>

طلاق‌ها در این دو سال نسبت به قبل و بعد از آن بسیار بالاتر است. با این حال مشخص است که این روند افزایشی در سال‌های پایانی ملایم‌تر بوده است و حتی در مناطق روستایی در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ شاهد کاهش طلاق‌ها بوده‌ایم.

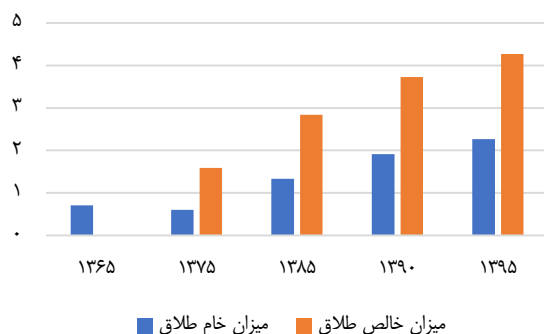
جدول ۲. تعداد طلاق‌ها در کشور به تفکیک شهر و روستا

سال	کل	درصد تغییرات	شهری	درصد تغییرات	روستایی	درصد تغییرات
۱۳۶۵	۳۵۲۱۱	-	۲۹۳۷۹	-	۵۸۳۲	-
۱۳۷۰	۳۹۳۳۶	۱۱/۷۲	۳۳۳۱۰	۱۳/۰۴	۶۱۲۶	۵/۰۴
۱۳۷۵	۳۷۸۱۷	- ۳/۸۶	۳۲۶۹۷	- ۱/۵۴	۵۱۲۰	- ۱۶/۴۲
۱۳۸۰	۶۰۵۵۹	۶۰/۱۴	۵۴۶۰۳	۶۷/۰	۵۹۵۶	۱۶/۳۳
۱۳۸۵	۹۴۰۴۰	۵۵/۲۹	۷۸۸۰۱	۴۴/۳۲	۱۵۲۳۹	۱۵۵/۸۶
۱۳۹۰	۱۴۲۸۴۱	۵۱/۸۹	۱۲۱۰۹۱	۵۳/۶۷	۲۱۷۵۰	۴۲/۷۳
۱۳۹۵	۱۸۱۰۴۹	۲۶/۷۵	۱۶۸۷۷۴	۳۹/۳۸	۱۲۲۷۵	-۴۳/۵۶
۱۳۹۹	۱۸۳۱۹۳	۱/۱۸	۱۷۰۶۸۸	۱/۱۳	۱۲۵۰۵	۱/۸۷

منبع: محاسبات نویسنندگان بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران

شکل ۱ میزان خام و میزان خالص طلاق را در دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد. میزان خام یا میزان عمومی طلاق که نشان‌دهنده تعداد طلاق‌های رخ داده در جمعیت به ازای هر یک هزار نفر است. این شاخص تصویر کاملاً دقیقی از طلاق ارائه نمی‌دهد. چرا که بخش بزرگی از جمعیت در معرض طلاق نیستند، مانند کودکان و یا افراد سالمندی که ازدواج نکرده‌اند. با این حال این شاخص برای تعیین تغییرات در طول زمان و یا برای مقایسه با دیگر جوامع کاربرد مناسب‌تری دارد. روند بررسی این شاخص نشان می‌دهد که در طول سه دهه گذشته همواره روند افزایشی داشته است. میزان خالص طلاق نسبت طلاق‌های یک جامعه به جمعیت قابل ازدواج آن در میانه سال به هزار نفر را نشان می‌دهد. چنانکه می‌بینیم میزان خالص طلاق نیز از سال ۱۳۷۵ روند صعودی داشته و از ۱/۵۹ در ۱۰۰۰ به ۳/۷۳ در هزار در سال ۱۳۹۰ و به ۴/۲۷ در هزار در سال ۱۳۹۵ رسیده است. مشکل این شاخص نیز این است که در مخرج کسر افرادی قرار دارند که ازدواج نکرده و یا فاقد همسر هستند. این امر باعث می‌شود تا میزان طلاق کمتر از حد واقعی خود برآورد شود.

یکی از شاخص‌هایی که در مطالعه طلاق مورد استفاده قرار می‌گیرد نسبت طلاق به ازدواج است. این شاخص بیانگر تعداد طلاق‌ها به ازای هر ۱۰۰ ازدواج می‌باشد. همانگونه که اشاره شد، تعداد طلاق‌ها در سالیان گذشته رو به افزایش بوده است. در سمت مقابل از تعداد ازدواج‌ها در دو دهه‌ی اخیر کاسته شده است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که مقدار این شاخص در با افزایش همراه باشد. یافته‌های شکل ۲ نشان می‌دهد که پس از اینکه نسبت طلاق به ازدواج در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ کاهش داشته است، پس از آن روندی افزایشی به خود می‌گیرد به طوری که این شاخص در کل کشور از ۷/۸ طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج در سال ۱۳۷۵ به ۳۲/۹ رسیده است. روندهای مذکور در هر دو منطقه شهری و روستایی نیز قابل مشاهده است. مشکل اصلی شاخص نسبت طلاق به ازدواج در این است که طلاق‌های محاسبه شده برای سال مورد نظر است اما ازدواج‌هایی که در مخرج کسر قرار می‌گیرد همگی متعلق به آن سال نیستند و بخش عمده‌ای از آنها در سال‌های پیش‌تر رخ داده‌اند.



شکل ۱. میزان خام و خالص طلاق (در هر هزار نفر)، ۱۳۶۵-۱۳۹۵



شکل ۲. نسبت طلاق به ازدواج، ۱۳۶۵-۱۳۹۹

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران

از دیگر موضوعات مهم در بررسی طلاق، تعداد جمعیت بی‌همسر به دلیل طلاق، سهم آن در کل جمعیت و نسبت جنسی آن می‌باشد. این اطلاعات در جدول ۳ نشان داده شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ سهم این افراد در کل جمعیت کاهش یافته است که با توجه به روند افزایشی طلاق نشان دهنده شانس ازدواج مجدد برای افراد طلاق گرفته در آن سال‌هاست. در دهه ۸۰ این روند معکوس شده است و حالت افزایشی پیدا کرده است به طوری که سهم و تعداد افراد بی‌همسر در اثر طلاق تا سال ۱۳۹۰ تقریباً دو برابر شده است. نسبت جنسی افراد بی‌همسر نیز نشان می‌دهد که این نسبت همواره به سود مردان بوده است که بیانگر شانس بیشتر مردان برای ازدواج مجدد پس از طلاق است. این نسبت همواره بیش از یک و نیم برابر و در برخی سرشماری‌ها حدود دو برابر بوده است.

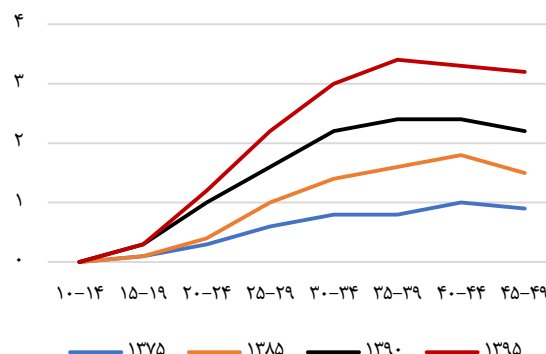
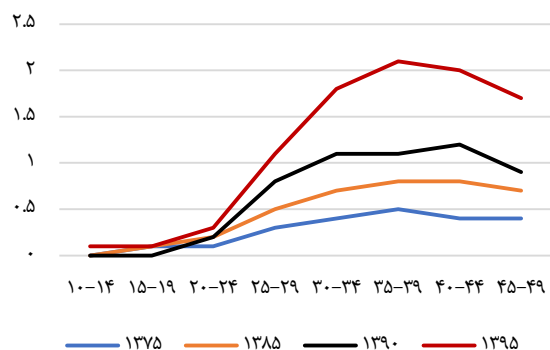
جدول ۳. تعداد و سهم جمعیت بی‌همسر به دلیل طلاق و نسبت جنسی آن در سرشماری ۱۳۳۵-۱۳۹۵

سال	تعداد	سهم	نسبت جنسی
۱۳۳۵	۱۳۰۷۶۰	۰/۷	۱۶۳
۱۳۴۵	۱۱۶۰۶۰	۰/۵	۱۸۷
۱۳۵۵	۱۱۱۴۰۸	۰/۳	۲۰۳
۱۳۶۵	۱۶۴۸۶۶	۰/۳	۱۶۷
۱۳۷۵	۱۶۶۸۲۷	۰/۳	۱۹۸
۱۳۸۵	۳۹۳۰۷۵	۰/۶	۱۸۰
۱۳۹۰	۶۵۶۸۵۲	۰/۹	۲۰۷
۱۳۹۵	۱۱۱۱۸۶۶	۱/۴	۱۷۹

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس داده‌های سرشماری منتشر شده توسط مرکز آمار ایران

علاوه بر تعداد و سهم جمعیت بی‌همسر در اثر طلاق، الگوی سنی این افراد است که از اهمیت خاصی برخوردار است. شکل‌های ۳ و ۴ به ترتیب الگوی سنی مردان و زنان مطلقه در سرشماری‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. روندها حاکی از آن است که برای هر دو جنس با گذر زمان، تعداد افراد مطلقه در همه سنین رو به افزایش گذاشته است. این افزایش برای گروه‌های سنی بالاتر،

بیشتر است و بیشترین افزایش نیز مربوط به گروه سنی ۳۵-۳۹ سال است. برای مثال، در مورد مردان در سرشماری ۱۳۷۵ تعداد ۰/۵ درصد مردان ۳۵-۳۹ ساله در گروه بی‌همسر بر اثر طلاق قرار داشتند. در حالی در سرشماری ۱۳۹۵ این رقم برابر با ۲/۱ درصد کل جمعیت است. این ارقام برای زنان به ترتیب ۰/۸ و ۳/۴ درصد می‌باشد که افزایشی بیش از مردان را نیز نشان می‌دهد.



شکل ۴. درصد زنان بی‌همسر به دلیل طلاق بر حسب گروه سنی، ۱۳۷۵-۱۳۹۵
شکل ۳. درصد مردان بی‌همسر به دلیل طلاق بر حسب گروه سنی، ۱۳۷۵-۱۳۹۵

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس داده‌های سرشماری منتشر شده توسط مرکز آمار ایران

تفاوت‌های دیگری نیز در بین دو جنس قابل مشاهده است. به این صورت که تعداد زنان طلاق گرفته در گروه‌های سنی ۱۵-۱۹ و ۲۰-۲۴ سال در مقایسه با مردان بالاتر است. همچنین درصد زنان بی‌همسر در اثر طلاق در همه سنین بیشتر از مردان است. علاوه بر این در آخرین گروه سنی، درصد مردان طلاق گرفته با کاهش محسوسی در مقایسه با گروه‌های سنی قبلی روبرو شده است ولی برای زنان این کاهش چندان زیاد نیست. دلیل عمده این موارد، شانس بالاتر مردان برای ازدواج مجدد می‌باشد. این تفاوت به ویژه در سنین بالاتر بیشتر است و مردان میانسال در مقایسه با زنان میانسال احتمال بیشتری دارد تا ازدواج مجدد را تجربه کنند. ترتیبات زندگی افراد طلاق گرفته نیز از اهمیت برخوردار است. این اهمیت هم به دلایل اقتصادی و هم دلایل فرهنگی است. برای مثال شرایط فرهنگی جامعه ما زندگی تنهای یک زن یا مرد مطلقه را چندان قابل قبول نمی‌داند. یا اینکه زنان طلاق گرفته که سرپرستی خانوار و حضانت فرزندان را برعهده می‌گیرند، از شرایط اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند. این امر ریشه در میزان‌های پایین مشارکت اقتصادی زنان و نیز بالا بودن بیکاری در میان آنان دارد.

جدول ۴ ترتیبات زندگی افراد بی‌همسر به دلیل طلاق را در مقایسه با افراد دارای همسر طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. ارقام نشان می‌دهد که مردان دارای همسر عموماً سرپرست خانوار هستند و این وضعیت در تمام سال‌های سرشماری به همین صورت بوده است. ولی مردان بی‌همسر به دلیل طلاق روند متفاوتی دارند. ۶۱/۹ درصد مردان بی‌همسر به دلیل طلاق در سال ۱۳۶۵ سرپرست خانوار بودند و تنها ۲۶/۵ درصد آنان فرزند خانوار بودند. اما طی این سال‌ها درصد مردان بی‌همسر به دلیل طلاق که سرپرست بودند، کاهش یافته است و در سال ۱۳۹۵ به ۴۹/۹ درصد رسیده است. برعکس درصد مردان بی‌همسر به دلیل طلاق که فرزند بوده‌اند از ۲۶/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۴۶/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. یعنی مردان بعد از طلاق تمایل

بیشتری پیدا کرده‌اند که به خانوار قبلی خود بازگردند. در مورد زنان وضعیت متفاوت است. زنان دارای همسر به‌طور غالب همسر سرپرست خانوار معرفی شده‌اند. سهم زنان بی‌همسر به دلیل طلاق که در سال ۱۳۶۵ سرپرست خانوار بودند ۳۵/۴ درصد بوده است که به ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

جدول ۴: ترتیبات زندگی افراد دارای همسر و افراد بی‌همسر به دلیل طلاق ۱۳۶۵-۱۳۹۵

۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵		مشخصه جمعیتی	
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد		
۱/۴	۹۳/۱	۱/۹	۹۳/۲	۱/۶	۹۳/۲	۱/۸	۹۴/۸	۱/۹	۹۶	سرپرست	دارای همسر
۹۰/۸	۰/۱	۹۰/۸	۰/۵	۹۱/۴	۰/۲	۹۲/۵	۰/۲	۹۴/۶	۰/۲	همسر	
۱/۸	۵	۲/۲	۴/۹	۳/۲	۴/۹	۳/۶	۴/۱	۲/۴	۳/۱	فرزند	
۱/۳	۰/۶	۰/۶	۰/۴	۰/۵	۰/۳	۰/۳	۰/۲	۰/۲	۰/۱	پدر یا مادر	
۴/۸	۱/۲	۴/۵	۱	۳/۳	۱/۳	۰/۸	۰/۵	۱	۰/۵	سایر	بی‌همسر به دلیل طلاق
۳۵/۴	۶۱/۹	۵۱/۲	۳۸	۴۵/۳	۴۸/۹	۵۲/۹	۵۶/۹	۴۹/۹	۶۰	سرپرست	
۳۴/۴	۲۶/۵	۳۷/۵	۴۲/۹	۴۵/۸	۳۸/۳	۴۲/۵	۳۷/۲	۴۶/۵	۳۵/۵	فرزند	
۱۱/۶	۲/۱	۲/۳	۷/۲	۱/۱	۴/۴	۰/۴	۱/۹	۰/۳	۱/۴	پدر یا مادر	
۱۸/۵	۹/۵	۹	۱۱/۹	۷/۷	۸/۳	۴/۲	۴/۱	۳/۳	۳	سایر	

منبع: محاسبات نویسندگان بر اساس داده‌های سرشماری منتشر شده توسط مرکز آمار ایران

مروری بر سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با طلاق

به طور کلی قوانین مربوط به طلاق در ایران دو دسته هستند. دسته اول قوانینی که به موضوع کلیات وقوع شرعی طلاق (مواد ۱۱۳۳-۱۱۴۲ قانون مدنی)، اقسام طلاق (مواد ۱۱۴۳-۱۱۴۹ قانون مدنی) و عده پس از طلاق (مواد ۱۱۵۰-۱۱۵۷ قانون مدنی) پرداخته‌اند. این دسته از احکام که عمدتاً در قانون مدنی است با تغییر چندانی مواجه نشده‌اند. دسته دوم قوانینی هستند که تلاش نموده‌اند فرایند درخواست طلاق، از منظر صدور حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش در دادگاه و سپس فرایند ثبت آن در دفاتر طلاق را مشخص نمایند. این قوانین با تحولات متعددی مواجه شده‌اند.

در اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف شده که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و برای استحکام و حفظ کیان و بقای خانواده، دادگاه صالح ایجاد کند (پژوهشکده شورای نگهبان ۱۳۹۵). لذا لایحه تشکیل دادگاه‌های مدنی خاص و تصویب آن توسط شورای انقلاب در مهرماه ۱۳۵۸ یکی از اولین اقداماتی است که در راستای کاهش طلاق پی گرفته شد تا محیطی متفاوت برای اختلافات خانوادگی در نظر گرفته شود و قاضی به دور از حواشی سایر دعاوی بتواند به رسیدگی پرونده و صدور رأی بپردازد.

در سال ۱۳۷۱ طرح اصلاحات مقررات مربوط به طلاق در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. هدف طرح، ایجاد موانعی بر سر راه طلاق بود از جمله معرفی حکمین از سوی زوجین متقاضی طلاق، پرداخت اجرت‌المثل به زوجه و یا ثبت طلاق با گواهی کتبی بر اسکان زوجه در منزل مشترک در طلاق رجعی که به امضای زوجین و حکمین و سردفتر رسیده باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۷۱). همچنین در سال ۱۳۸۱ تبصره الحاقی مصوب مجمع تشخیص مصلحت، به توسعه مصادیق عسر و

حرج ذکر شده در قانون سال ۱۳۶۱ پرداخت و مواردی چون ترک زندگی خانوادگی، اعتیاد زوج، محکومیت قطعی زوج به حبس، ضرب و شتم و ابتلای زوج به بیماریهای صعب‌العلاج را اشاره کرد که احراز آن باید توسط دادگاه صورت بگیرد.

دادگاه‌های مدنی خاص تا سال ۱۳۷۳ فعال بودند. با این حال به دلیل افزایش پرونده‌ها، اطاله دادرسی و بروز اختلاف میان دادگاه‌های عمومی و دادگاه‌های مدنی خاص، نمایندگان مجلس طرح جدیدی با نام دادگاه خانواده را مطرح کردند که در سال ۱۳۷۶ تصویب شد. نیاز به تحول اساسی در دادرسی خانواده، ناکافی بودن تشکیل دادگاه خانواده را آشکار ساخت. از این رو قانون حمایت خانواده که به مقررات شکلی دادگاه‌های خانواده از جمله حضور قاضی مشاور زن پرداخته بود، توسط قوه قضائیه تهیه شد. این لایحه در سال ۱۳۸۶ در هیأت دولت تصویب و به مجلس تقدیم شد و در نهایت در سال ۱۳۹۱ در مجلس به تصویب رسید. بخش چهارم این قانون متشکل از ۱۶ ماده به طلاق اختصاص یافته است. در قانون جدید به ضابطه‌مند کردن حق طلاق در مردان و پیش‌بینی محدودیت برای اقدام مردان به طلاق پرداخته شد. بدین معنا که بعد از ارائه دادخواست طلاق از سوی مرد به دادگاه، موضوع به داوری ارجاع می‌شد. مورد قابل توجه دیگر ارجاع زوجین برای مشاوره بود که منجر به شکل‌گیری مراکز مشاوره خانواده در کنار دادگاه‌های خانواده شد. این موضوع حتی طلاق توافقی را نیز دربر می‌گرفت. بر اساس ماده ۲۴ این قانون، سردفتران طلاق، باید در ثبت طلاق گواهی عدم امکان سازش را مطالبه و اخذ نمایند. همچنین در ماده ۳۱ عنوان شده است که در ثبت طلاق بایستی گواهی معتبر پزشکی مبنی بر بارداری یا عدم بارداری زوجه را مطالبه و بایگانی نمایند (مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۹۱).

از دیگر سیاست‌های در نظر گرفته شده، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران است که در ۳۱ شهریور ۱۳۸۳ تصویب شد. این منشور از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است. در فصل دوم منشور به حقوق و مسئولیت‌های زنان در تشکیل و تداوم خانواده پرداخته است (مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۸۳).

در قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۵ دی‌ماه ۱۳۸۹ نیز وظایفی برای دولت مشخص شده است که بر اساس آن سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط، از جمله معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماع و ... اقدام قانونی به عمل آورد (مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۸۹).

از نتایج تلاش کارگروهی که با عنوان کارگروه ملی کنترل و کاهش طلاق و افزایش ازدواج در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد، تدوین و تصویب "برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق" بود. شروع بحث‌های مرتبط با این برنامه به آخرین جلسه سال ۱۳۹۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی باز می‌گردد. این برنامه شامل هفت محور آموزش، مشاوره، حمایت‌های اجتماعی، ترویج و فرهنگ‌سازی، قضا و داوری، سلامت و برنامه و بودجه می‌شد. این برنامه دو هدف اصلی را دنبال می‌کرد: (۱) توقف میزان رشد طلاق در سال اول اجرای برنامه، (۲) کاهش سالانه طلاق به میزان پنج درصد نسبت به سال قبل در طول سال اجرای برنامه تا پایان سال برنامه ششم (۲۰ درصد در پایان برنامه ششم).

در قانون برنامه ششم توسعه نیز به کاهش آسیب‌های اجتماعی تاکید شده است. یکی از وظایف دولت برای کاهش طلاق در برنامه ششم توسعه، تهیه "طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی" بود. همچنین سازمان‌های بهزیستی و صداوسیما مکلف به انجام ماده ۱۰۴ شدند. بر این اساس، سازمان بهزیستی مکلف شد در راستای کنترل و کاهش میزان طلاق زمینه‌سازی لازم را از طریق مرکز فوریت‌های اجتماعی و مددکاری و مراکز مشاوره و خدمات روانشناختی به عمل آورد تا جهت پیشگیری از اختلاف و بحران‌های خانوادگی و پیشگیری از وقوع طلاق و با کمک نهادهای مردمی، خدمات خود را گسترش دهد. سازمان صدا و سیما نیز مکلف شد در برنامه‌های خود موضوعاتی مانند ترویج ازدواج، ضد ارزش بودن طلاق و آسیب‌های اجتماعی آن، فرهنگ افزایش

پایبندی زوجها به خانواده و حفظ حرمت خانواده را به عنوان محورهای اصلی سبک زندگی اسلامی - ایرانی مدنظر قرار دهد (مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۹۶).

همچنین در سیاست‌های ابلاغی خانواده در سال ۱۳۹۵ نیز به موضوع پیشگیری از طلاق اشاره شده است. در جدیدترین قانون مرتبط با جمعیت که در سال ۱۴۰۰ با عنوان "قانون تعالی خانواده و جمعیت" به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، در ماده ۹۶ به تلاش‌ها برای کاهش طلاق اشاره شده است.

به طور کلی مرور سیاست‌ها در حوزه طلاق نشان می‌دهد، ایران در راستای تحقق سیاست "پرهیز از طلاق غیرضروری" و "طلاق حداقلی" به وضع قوانینی اقدام کرده که می‌توان آن‌ها را در چند دسته خلاصه کرد: ۱- تخصیصی کردن رسیدگی به اختلافات خانوادگی و طلاق از طریق ایجاد دادگاه خانواده؛ ۲- ضابطه‌مند کردن حق طلاق مرد در قوانین از طریق لزوم مراجعه به دادگاه و صدور حکم قاضی جهت ثبت طلاق؛ ۳- فراهم کردن امکان طلاق زوجه در شرایط خاص (عسروخرج) و واگذاری تشخیص آن به قاضی؛ ۴- تلاش جهت ایجاد سازش بین زوجین متقاضی طلاق از طریق دو سازوکار دآوری و نظام مشاوره. خلاصه‌ای از اقدامات انجام شده در زمینه سیاست‌گذاری در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۵. سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌های مرتبط با طلاق در ایران

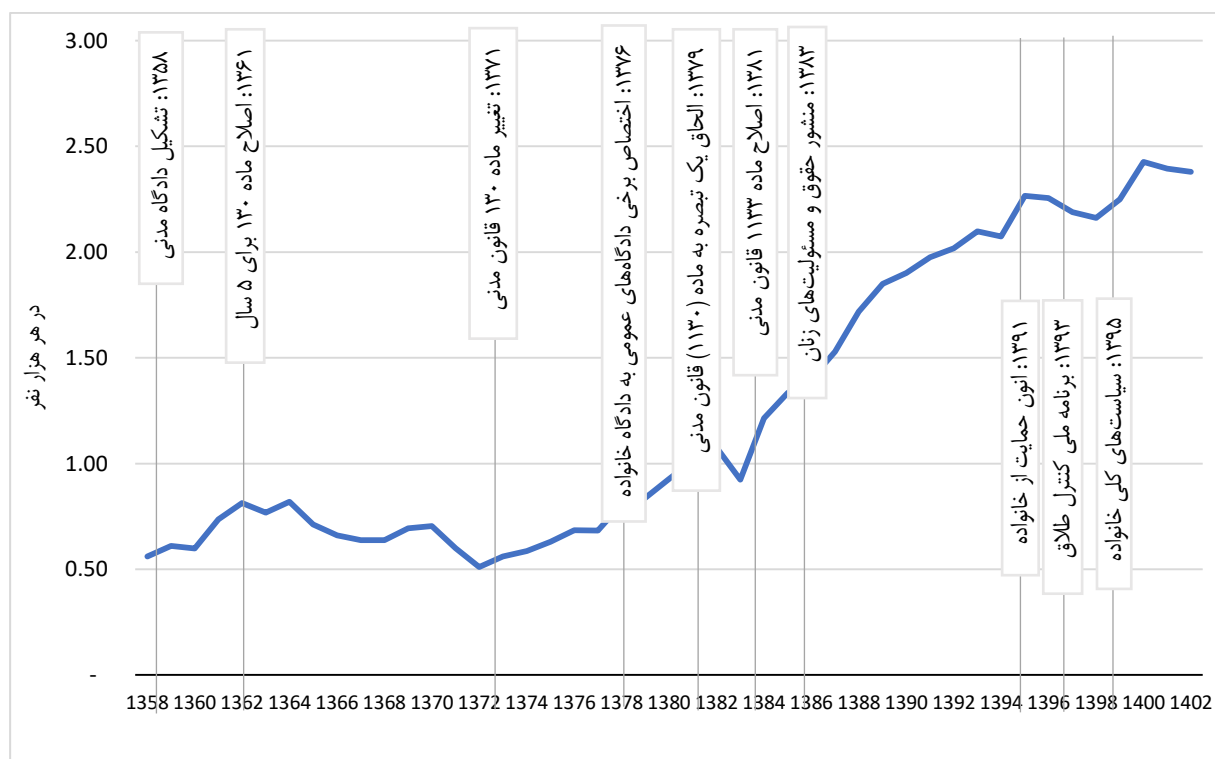
ردیف	عنوان	تاریخ	نوع	موضوع	مرجع تصویب
۱	تشکیل دادگاه مدنی خاص	۱۳۵۸	لایحه	-صلاحیت دادگاه، رسیدگی به دعاوی راجع به نکاح، طلاق، فسخ نکاح و ...ماده (۳) -تقاضای شوهر برای طلاق، ارجاع به دآوری، عدم سازش، اجازه طلاق به زوج (تبصره ۲ماده ۳) -توافق زوجین بر طلاق، عدم مراجعه به دادگاه (تبصره ۲ ماده ۳)	مجلس شورای اسلامی
۲	اصلاح موادی از قانون مدنی (ماده ۱۱۳۰ به مدت پنج سال آزمایشی)	۱۳۶۱	قانون	تقاضای طلاق زوجه، در صورت اثبات عسروخرج، اجبار زوج به طلاق، میسر نشدن، طلاق به اذن حاکم شرع	مجمع تشخیص مصلحت
۳	تغییر ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی	۱۳۷۰	قانون		
۴	اصلاح مقررات مربوط به طلاق	۱۳۷۱	طرح	-مراجعه به دادگاه مدنی خاص و حکمین، صدور گواهی عدم سازش، لزوم ثبت طلاق در دفاتر رسمی - در طلاق رجعی، لزوم ارائه گواهی کتبی مبنی بر اسکان زوجه در منزل مشترک تا پایان عده.	مجمع تشخیص مصلحت
۵	تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب	۱۳۷۳	قانون	صلاحیت رسیدگی حاکم دادگاه عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق (تبصره ۳ ماده ۳)	مجلس شورای اسلامی
۶	اختصاص تعدادی از دادگاه‌های عمومی به دادگاه‌های خانواده براساس اصل ۲۱ قانون اساسی	۱۳۷۶	ماده واحده	-اختصاص شعبی از دادگاه‌های عمومی به دادگاه خانواده، - صلاحیت دادگاه خانواده رسیدگی به طلاق، فسخ، نکاح و ... - شروع رسیدگی و صدور حکم با استفاده از مشاور قضایی زن	
۷	الحاق یک تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی	۱۳۷۹	قانون	-تعریف عسروخرج برای درخواست طلاق ازسوی زوجه، ترک زندگی، اعتیاد زوج، محکومیت قطعی زوج، ضرب و شتم، ابتلا زوج به بیماری صعب‌العلاج و..	
۸	اصلاح موادی از قانون مدنی اصلاح ماده ۱۱۳۳	۱۳۸۱	قانون	-ضابطه‌مند کردن حق طلاق زوج - مشخص کردن مواد قانون مدنی برای تقاضای طلاق زوجه	

ردیف	عنوان	تاریخ	نوع	موضوع	مرجع تصویب
۹	منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان	۱۳۸۳	ماده واحده	- حق و مسئولیت زنان بر خور داری از امکانات و حمایت‌های قانونی به منظور پیشگیری از بروز اختلافات و کاهش طلاق - حق بر خور داری از فسخ نکاح در صورت تدلیس و عیوب مقرر و اخذ خسارت در تدلیس - حق بر خور داری زن از حقوق مادی خود هنگام انحلال خانواده و بهره‌مندی از رفتار نیکوی همسر هنگام جدایی - حق و مسئولیت حضانت فرزند و لزوم بر خور داری از حمایت مالی پدر و حق ملاقات با فرزند در صورت انقضای یا اسقاط دوران حضانت - حق بهره‌مندی زن از حقوق خویش در ایام عده و بر خور داری از حق ازدواج پس از انقضای عده - حق طرح دعوا در محاکم جهت ممانعت از ازدواج مجدد همسر در صورت عدم توانایی شوهر در تأمین نفقه و اجرای عدالت و سایر حقوق - مسئولیت مدنی و کیفری پدر و مادر در قبال کوتاهی از محافظت کودک و مسئولیت والدین نسبت به ممانعت از بهره‌مندی فرزندان از ملاقات با آنان.	
۱۰	حمایت از خانواده	۱۳۹۱	قانون و لایحه	- تشکیل دادگاه خانواده ظرف سه سال از تصویب قانون و حضور قاضی مشاور زن در آن - ایجاد مراکز مشاوره در کنار دادگاه‌های خانواده جهت حصول صلح و سازش (۱۶) - ارجاع زوجین متقاضی طلاق توافقی به مراکز مشاوره ماده (۲۵) - ارجاع همه موارد درخواست طلاق بجز طلاق توافقی به داوری (ماده) ۲۷	
۱۱	قانون برنامه پنجم توسعه	۱۳۹۰	قانون	دولت مکلف است بر اساس ماده ۲۳۰ قانون برنامه پنجم توسعه سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط، در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم نهاد، ارتقای توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین المللی، تعمیق باورهای دینی، و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی به عمل آورد.	
۱۲	برنامه ملی کنترل طلاق	۱۳۹۳	برنامه	- توقف میزان رشد طلاق در سال اول اجرای برنامه - کاهش سالانه میزان طلاق به میزان پنج درصد نسبت به سال قبل در طول سال اجرای برنامه تا پایان سال برنامه ششم (۲۰ درصد در پایان برنامه ششم)	شورای عالی انقلاب فرهنگی

ردیف	عنوان	تاریخ	نوع	موضوع	مرجع تصویب
۱۳	قانون برنامه ششم توسعه	۱۳۹۵	قانون	-طراحی و اجرای برنامه‌های لازم در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی ... و به منظور کنترل افزایش طلاق (ماده ۷۸) -تکلیف دولت بر تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت طلاق و... (ماده ۸۰) -مكلف ساختن سازمان بهزیستی بر استفاده از ظرفیت مراکز مشاوره در جهت پیشگیری از بحران‌های خانوادگی و وقوع طلاق (بند ماده ۱۰۴) - ترویج ضدارزش بودن طلاق در برنامه‌های صدا و سیما (بند ۱۰۴) - اقدام سازمان بهزیستی در جهت مشاوره رایگان به زوجین فاقد تمکن مالی در راستای ماده الف تحکیم خانواده (بند ۱۱۳) -کاهش درصد نسبت طلاق توافقی نسبت به کل طلاق‌های صورت گرفته در جهت ارتقای شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی (بند ماده ۱۱۳۱)	مجلس شورای اسلامی
۱۴	سیاست‌های کلی خانواده	۱۳۹۵	سیاست‌های ابلاغی	-بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده. -پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده بویژه موضوع طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق.	مقام معظم رهبری
۱۵	قانون تعالی خانواده و جمعیت	۱۴۰۰	قانون	ماده ۶۶- نیروهای مسلح با استفاده از ظرفیت و امکانات دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های ذی‌ربط خود در زمینه ارائه خدمات بهداشتی، سلامت باروری، درمان ناباروری، افزایش ازدواج، کاهش طلاق و اعطای مشوق‌های فرزندآوری ویژه کارکنان نیروهای مسلح و خانواده آنان، بازنشتگان و بسیجیان اقدام نمایند.	مجلس شورای اسلامی

شکل ۵ روندهای میزان خام طلاق و سیاست‌گذاری در مورد طلاق طی دوره ۱۴۰۲-۱۳۵۸ را نشان می‌دهد. چهار دوره مجزا را می‌توان بر اساس روندها و سیاست‌گذاری صورت گرفته از همدیگر تفکیک کرد. دوره اول که ۱۳۵۸ تا اوایل دهه ۱۳۷۰ را شامل می‌شود و ثبات نسبی در میزان طلاق با نوسان اندک مشاهده می‌شود. سیاست‌های این دوره بیشتر شامل تصمیمات سیاستی پایه‌ای مانند تشکیل دادگاه‌های مدنی و اصلاح ماده‌های مربوطه در قانون مدنی بوده است. دوره دوم که ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ را در بر می‌گیرد و روند صعودی طلاق در آن آغاز می‌شود. اقدامات مهمی چون: اصلاح ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی (۱۳۷۱) که طلاق را ضابطه‌مند کرده و اختیار مرد در طلاق را مشروط به شرایطی کرد و همچنین تشکیل دادگاه خانواده (۱۳۷۶) و قانون حمایت از حقوق زنان (۱۳۸۱) در این دوره شکل گرفتند. سیاست‌های این دوره به دنبال ایجاد عدالت بیشتر در فرآیند طلاق بودند، اما در عین حال با افزایش آگاهی حقوقی زنان، استقلال نسبی اقتصادی و تغییرات فرهنگی، طلاق به‌عنوان یک گزینه پذیرفتنی‌تر شد. این امر نشان‌دهنده اثر غیرمستقیم سیاست‌های حمایتی بر افزایش طلاق است. دوره سوم به مدت یک دهه و از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ می‌باشد که شاهد اوج‌گیری میزان خام طلاق و تثبیت آن در سطح بالا هستیم. با وجود تصویب سیاست‌ها و قوانینی همچون قانون حمایت از خانواده، برنامه کنترل طلاق و ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده میزان خام طلاق نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه به نقطه اوج تاریخی خود نزدیک می‌شود. این دوره نشان‌دهنده شکاف جدی بین اهداف سیاست‌گذارانه (کاهش طلاق) و واقعیات اجتماعی و اقتصادی (استقلال زنان،

فشارهای اقتصادی، فردگرایی) است. میتوان ادعا کرد که سیاست‌های این دوره بیشتر جنبه‌ی شکلی و نمادین داشته‌اند و نتوانسته‌اند به ریشه‌های مسئله بپردازند. دوره پایانی (چهارم) از ۱۳۹۵ به بعد را شامل می‌شود. در این دوره میزان خام طلاق همچنان بالا است. تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که با رویکرد تقویت بنیان خانواده انجام شده بود، در عمل چندان به مسئله طلاق توجه نداشته و تمرکز اصلی آن بر افزایش میزان‌های باروری است که این امر بیان کننده این موضوع است که سیاست‌گذاری‌ها هنوز در تغییر واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی موفق نبوده‌اند.



شکل ۵. روند افزایش طلاق و سیاست‌گذاری‌ها در حوزه طلاق از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲

به طور کلی بررسی روند تاریخی میزان خام طلاق در ایران و تطبیق آن با نقاط عطف سیاست‌گذاری‌های مرتبط نشان می‌دهد که سیاست‌های اتخاذشده طی چهار دهه گذشته نتوانسته‌اند به کاهش معنادار نرخ طلاق منجر شوند. اگرچه برخی اقدامات مانند اصلاح قوانین مدنی، تشکیل دادگاه خانواده و تدوین اسناد حمایتی در ظاهر با هدف ارتقای عدالت خانوادگی و تحکیم نهاد ازدواج انجام شده‌اند، اما در عمل با رشد شاخص‌های فردگرایی، افزایش استقلال اقتصادی زنان، تغییر نگرش‌های فرهنگی نسبت به ازدواج و طلاق، و فشارهای اقتصادی گسترده، این سیاست‌ها نتوانسته‌اند تأثیر ملموس و پایداری بر کنترل نرخ طلاق بگذارند. در مواردی حتی به دلیل ساده‌سازی فرایند طلاق و نبود سیاست‌های مکمل اجتماعی و اقتصادی، زمینه‌ساز تسریع روند فروپاشی خانواده شده‌اند. این شکاف میان اهداف سیاست‌گذارانه و واقعیت‌های اجتماعی، بیانگر لزوم بازنگری در سیاست‌های فعلی با رویکردی جامع، چندبعدی و متکی بر شواهد تجربی است.

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق یکی از ابعاد اصلی تغییرات خانواده در چند دهه گذشته بوده است. اگرچه افزایش روندهای طلاق از مناطق توسعه‌یافته جهان شروع شد و هنوز نیز در این جوامع بالاترین مقادیر را در اختیار دارد، با این حال در جوامع در حال توسعه نیز شاهد افزایش آن هستیم. بر این اساس سه سوال مطرح شد تا وضعیت ایران را در رابطه با روند طلاق و سیاستگذاری در این حوزه بررسی کنیم. نخست، اینکه روند طلاق در ایران طی سه دهه گذشته چه تغییراتی را تجربه کرده است؟ در پاسخ بایستی یادآور شد که روند طلاق در ایران طی سه دهه گذشته همواره افزایش داشته است. میزان خام طلاق که از آن برای مقایسه بین جوامع نیز استفاده می‌شود در ایران طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ افزایشی ۱۷۸ درصدی را تجربه کرده است. سهم جمعیت مطلقه نیز بیش از سه برابر افزایش یافته است. این افزایش در میزان خالص طلاق و یا نسبت طلاق به ازدواج نیز مشاهده شد. نکته مهمی که باید اشاره کرد این است که شاخص‌های خام و نسبت طلاق به ازدواج و حتی شاخص خالص نمای خیلی دقیقی از طلاق ترسیم نمی‌کنند و برخی شاخص‌ها از جمله شاخص ویژه سنی که دقیق‌تر است کمتر به کار برده می‌شود. با این حال در شرایطی که سازمان ثبت احوال داده‌ها و اطلاعات جزئی در مورد طلاق را از دسترس عموم خارج کرده است، این شاخص‌ها بهترین مواردی هستند که می‌توان با آنها وضعیت موجود را بررسی کرد. افزایش در میزان‌های طلاق در ایران را می‌توان با نظریه نوسازی فرهنگی تبیین کرد. بر اساس این نظریه، توسعه اقتصادی و افزایش فرصت‌های شغلی به‌ویژه برای زنان سبب کاهش وابستگی اقتصادی زنان به مردان شده و در سمت مقابل استقلال زنان و توانایی آنها در انتخاب طلاق را افزایش می‌دهد. جابری و همکاران (۲۰۲۲) به این نکته اشاره کرده بودند که تعداد طلاق‌هایی که به درخواست زنان صورت می‌گیرد در ایران افزایش معناداری داشته است. این نظریه همچنین اشاره می‌کند که با گسترش جهانی‌شدن و توسعه رسانه‌های اجتماعی، افراد در کشورهای در حال توسعه بیش از پیش در معرض فرهنگ‌های خارجی قرار می‌گیرند و این امر نگرش‌های متفاوتی به ازدواج، خانواده، و طلاق را در بین آنها شکل می‌دهد. صادقی و آقاجانیان (۲۰۱۹) و بگی و حسینی (۱۴۰۰) نگرش مثبت‌تر جوانان به طلاق را مورد تایید قرار داده بودند.

در سوال دوم این موضوع مورد پرسش قرار گرفت که دولت چه برنامه‌ها و سیاست‌هایی را در زمینه طلاق تدوین و اجرا کرده است؟ بررسی‌ها در این زمینه نشان داد که از سال ۱۳۵۸ به بعد در ۱۵ مورد موضوع طلاق مورد توجه قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به ۲ لایحه، ۸ قانون، ۲ ماده واحده یک طرح، یک برنامه، و یک مورد نیز سیاست ابلاغی اشاره کرد. در سال‌های اخیر شاید بتوان مهم‌ترین اقدام قانون‌گذار جهت کاهش طلاق را الزام به مراجعه به نهاد مشاوره دانست. افزایش آمار طلاق توافقی در چند سال اخیر، باعث شد قانون‌گذار به صورت خاص در جهت کاهش این چالش گام بردارد. الزام دادگاه‌ها بر ارجاع زوجین متقاضی طلاق توافقی به مشاوره در ماده (۲۵) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و همچنین پرداختن برنامه ششم توسعه به کاهش درصد نسبت طلاق توافقی نسبت به کل طلاق‌های صورت گرفته در جهت ارتقای شاخص‌های توسعه حقوقی و ماده ۱۱۳ با چنین هدفی صورت گرفته است. فرض قانون‌گذار در این نکته بوده که نظام مشاوره این توانایی را دارد که ضمن تشخیص مسئله اصلی زوجین متقاضی طلاق، با ارائه راه حل متناسب، آنها را از تصمیم خود منصرف کند.

با این حال، عمده نگاه دولت پس از انقلاب مبتنی بر حمایت خانواده در چارچوبی سیاسی، اقتصادی و حتی نمادین بوده است. برای مثال، در سیاست‌ها و قوانینی که در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ به بعد با هدف حمایت از نهاد خانواده در ایران تصویب، تدوین و ارائه شده‌اند، غلبه رویکرد اقتصادمحور بر عملکرد دولت کاملاً واضح و آشکار است؛ که نهایتاً باعث شده سیاست‌های دولت با حفظ الگوهای سنتی خانواده همبسته باشند (حسینی و عزیزی ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد سیاست‌های اجرا شده معطوف به حفظ الگوی خانواده سنتی است، از این رو در واکنش به تغییرات اجتماعی، رویکرد پسینی و تاخیری دارد و پایداری خانواده را با حفظ نابرابری

جنسیتی در خانواده همبسته کرده است. اشتغال زنان منجر به برهم‌زدن تعادل نظام قدرت و هرم تصمیم‌گیری در خانواده می‌شود، لذا اشتغال زنان کمرنگ شده و اشتغال خانگی ترویج می‌شود. این رویکرد سلبی است و الگوی کاملی از خانواده و سبک زندگی ایرانی-اسلامی که مورد وفاق و پذیرش جمعی باشد ارائه نمی‌دهد.

در واقع، اگر آمار طلاق در دهه‌های اخیر با تغییرات ذکر شده در حوزه قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری را مقایسه کنیم شاهد خواهیم بود که ارتباط معناداری میان این تغییرات سیاستی با کاهش تعداد طلاق دیده نمی‌شود. بلکه حتی تأثیر توسعه مواد قانونی حوزه عسر و حرج بر افزایش طلاق را ایجاد می‌کند. چرا که بعد از سال ۱۳۸۳ شیب صعودی میزان طلاق در کشور افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند. البته این عامل را نمی‌توان به تنهایی و جدا از عوامل دیگر در نظر گرفت و باید آن را در کنار عوامل فرهنگی بررسی کرد. در این خصوص میان کارشناسان حوزه طلاق نیز بحث و مناقشات بسیاری اتفاق افتاده و اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. برخی معتقدند نظام حقوقی ایرانی با آسان‌سازی طلاق برای زوجه و گنجانیدن واژه «عسر و حرج» و مصادیق آن و همچنین قرار دادن شروط ضمن عقد در سند ازدواج سبب افزایش آمار طلاق شده است. در مقابل گروهی دیگر (مانند ابراهیمی ۱۳۹۵) معتقدند به رسمیت شناخته شدن حق طلاق زن در شرایط خاص نمی‌تواند منجر به افزایش طلاق شده باشد زیرا اثبات آن برای محکمه و احراز آن توسط دادگاه به قدری دشوار است که برای بسیاری از زنان جامعه ما ممکن نیست و برعکس اضافه شدن فرایند قضایی به طلاق در سال‌های اخیر در جهت کاهش اقدام به آن بوده است.

بایستی توجه کرد که سیاست‌گذاری در مورد طلاق به عنوان پدیده‌ای که از مسائل مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد، با سختی‌های زیادی مواجه است. لذا در پاسخ به سوال سوم تحقیق مبنی بر اینکه مهم‌ترین چالش‌های موجود بر سر راه سیاست‌گذاری در مورد طلاق کدامند و چه پیشنهادات سیاستی می‌توان برای برون‌رفت از این چالش‌ها ارائه کرد؟ می‌توان چندین مورد را اشاره کرد. به طور کلی می‌توان ادعا کرد سیاست‌های تکراری و موازی، عدم تعیین متولی دقیق در اجرای سیاست‌ها، عدم وجود سیاست‌های کارآمد، وضع سیاست‌های ناشدنی و غیر قابل اجرا و در نهایت عدم پایش سیاست‌ها از مهم‌ترین چالش‌های مطرح در این حوزه است. جامعه ایران یک جامعه چندقومی و چندفرهنگی است که شیوع رفتارهای اجتماعی و جمعیتی در بین مناطق و گروه‌های فرهنگی آن متفاوت است. لذا وجود نسخه یکسان در سیاست‌گذاری‌های حوزه طلاق در حالی که تفاوت جنسیتی، نسلی، استانی، منطقه‌ای، قومی و دینی در جامعه ما وجود دارد، از چالش‌هایی است که نیاز به توجه بیشتری دارد. خالاهای قانونی و حقوقی، منطبق با عرف و منطقی نبودن برخی قوانین حوزه خانواده و یا قوانین بسیار محدودکننده بدون توجه به پیامدهای آن از دیگر چالش‌های طلاق است.

همچنین بسیاری از اقدامات در خصوص کاهش طلاق زمانی به وقوع می‌پیوندد که عملاً کاری برای تداوم خانواده نمی‌توان انجام داد. اقدامات مختلف بایستی از پیش از ازدواج شروع شود و در کل دوران زندگی زناشویی جریان داشته باشد. برخی امور ضروری از جمله تست سلامت روان پیش از ازدواج از نکات مغفول می‌باشد که گاهی زمینه‌ساز افزایش طلاق است.

به طور کلی، ارزیابی قوانین وضع شده در زمینه کاهش طلاق نشان می‌دهد که ماهیت سیاست‌گذاری طلاق در ایران پسینی و ترمیمی بوده و قانون‌گذار تنها پس از بروز مخاطرات و آسیب‌های اجتماعی به فکر چاره افتاده است. این درحالی است که از دیدگاهی دیگر، فرایند مشاوره‌ای که در دادگاه‌ها یا مراکز مشاوره‌ای بهزیستی مشغول به فعالیت هستند و زوجین در حین مراحل طلاق باید به آنها مراجعه کنند، به تنهایی مؤثر در کاهش طلاق نخواهند بود زیرا زوجین زمانی مجبور به انجام این مشاوره می‌شوند که در آستانه جدایی هستند و چالش آنها به بالاترین سطح خود رسیده است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد که این مشاوره پسینی نتواند در حل مشکلات

زوجین چندان کارآمد باشد. علاوه بر این برخی از مشکلات خانوادگی ناشی از انتخاب نامناسب همسر و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است یا ریشه در مسائلی چون فقر یا اعتیاد دارد که نمیتوان انتظار داشت با مشاوره حل شود.

بر اساس آنچه بیان شد، یکی از مهم‌ترین نکاتی که در رابطه با الزامات سیاستی بایستی به آن اشاره کرد، جامعیت سیاست‌ها و قوانینی است که قرار است در این حوزه تدوین و اجرا شوند. سوبوتکا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در بیان پیش‌شرط‌های لازم برای اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های جمعیتی بیان می‌کنند که سیاست‌ها نه به صورت موردی که بایستی به صورت بسته‌های سیاستی ارائه شوند تا احتمال موفقیت آن‌ها افزایش یابد. بر این اساس، در راستای کاهش چالش‌های حوزه خانواده، سیاست‌های چندگانه نیاز هست. این سیاست‌ها بایستی شامل مجموعه‌ای از راهکارهای اقتصادی (کاهش بیکاری، تقویت سیستم آموزش مهارت‌ها، حمایت اقتصادی از فقرا، آموزش کارآفرینی)، اجتماعی (روابط دموکراتیک در خانواده، رشد رسانه‌ها، رشد تحصیلات، رشد آگاهی)، فرهنگی (الگوسازی خانواده بر مبنای الگوی ایرانی اسلامی) و حتی سیاسی باشند.

بخش مهمی از طلاق‌ها به نادرستی شیوه همسرگزینی و ازدواج برمی‌گردد. به عنوان مثال آن دسته از دختران که ازدواج زودرس دارند و در سنین خیلی پایین با مردانی با اختلاف سنی نامتعارف ازدواج می‌کنند. بخش مهمی از این ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شود (کوسکی و هیمن^۲ ۲۰۱۸، میرزایی و همکاران ۲۰۲۱). بر این اساس نیاز است تا قوانین مربوط به سن ازدواج نیز مورد بررسی قرار گیرد. در این راه علاوه بر تشدید موانع قانونی برای کودک‌همسری بایستی از مراجع فرهنگی و مذهبی نیز یاری گرفت تا جلو این پدیده گرفته شود. این نکته ما را به متوجه موضوع دیگری خواهد کرد و آن هم تفاوت در سنخ‌های مختلف طلاق است. پیامدها و همین طور انگیزه‌های طلاق در هر یک از این سنخ‌ها متفاوت است. این تفاوت‌ها بی‌شک باید الزام‌ها و دلالت‌هایی را در حوزه سیاست‌گذاری داشته باشد و نباید از چشم سیاست‌گذار پنهان بماند.

این یک واقعیت است که نمی‌توان هیچ راه حل آماده، زودبازده و کاملاً قابل پیش‌بینی در این مسئله ارائه داد اما می‌توان راهبردها و فرآیندهایی را توصیه کرد که ما را به پاسخ‌های کارآمد نزدیک سازد. از جمله به خدمت گرفتن فناوری‌های نرم و سخت تجربه شده در مسائل مشابه است. در حال حاضر مدت زیادی است از فناوری برنامه‌های ۱۲ قدمی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و حتی مشکلات رفتاری در دنیا استفاده می‌شود. نوع حمایت اجتماعی شکل گرفته در انجمن‌هایی که این برنامه را اجرا می‌کنند، همه جانبه و با بالاترین سطح درگیری وجودی است لذا اثربخشی بالایی را ایجاد می‌کند. به علاوه نوع رابطه راهنما و رهجو در این برنامه‌ها شباهت زیادی به فعالیت کوچینگ و منتورینگ در حوزه توسعه و بهبود کسب و کار دارد. می‌توان با الگوگیری از این دو فناوری، به تشکیل و استقرار و راهبری اجتماع‌هایی برای حمایت از کسانی که در شرف اقدام به طلاق هستند، اقدام کرد تا با بهره‌گیری از ظرفیت مردمی و دانش ضمنی تجربه شده توسط کسانی که با این مشکل درگیر بوده‌اند اما آن را حل کرده و به خوبی پشت سر گذاشته‌اند، به یاری جامعه در حل این مشکل پرداخت.

لازم است به علل اثرگذار بر طلاق توجه بیشتری شود و در راستای کاهش آن، ایجاد اشتغال و کاهش فقر و بیکاری، رعایت اصول همسرگزینی و همسان همسری، از خشونت‌های خانوادگی، تعدیل انتظارات، حمایت مالی از خانواده‌ها، پرهیز از ازدواج اجباری، آموزش اطرافیان، جلوگیری از ازدواج زود هنگام، اصلاح قوانین تعدد زوجات، اصلاح قوانین ازدواج موقت در دستور کار قرار گیرد. نکته مهم دیگر این است که طلاق هرگز به صورت کامل از بین نخواهد رفت و حتی با توجه به تغییرات اتفاق افتاده در سطح جهانی بایستی منتظر افزایش آن نیز باشیم. لذا برنامه‌های بیشتری برای افراد مطلقه به ویژه برای زنان که آسیب‌پذیرتر هستند در

1. Sobotka

2. Koski & Heymann

دستور کار قرار گیرد. فضای فرهنگی جامعه مردان مطلقه را همراهی می‌کند و با ازدواج مجدد مردان مشکلی ندارد، اما زنان مطلقه در میان برخی از اقوام و در مناطق سنتی‌تر برای ازدواج مجدد با تابوهای اجتماعی مواجهند. در این راستا راه‌اندازی کلینیک‌های سلامت خانواده، فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال برای زنان سرپرست خانوار، ایجاد زیرساخت‌ها و الزامات برای توازن بین کار و زندگی خانوادگی زنان، بیمه مشاوره و اجباری کردن خدمات مشاوره به جوانان در آستانه طلاق و توجه بیشتر به طلاق عاطفی در خانواده پیشنهاد می‌شود.

البته باید در نظر داشت که زندگی زناشویی در همه حال بهترین راه حل نیست و گاهی طلاق عاطفی آسیب بیشتری به خانواده می‌زند. طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص قانونی، شرعی و عرفی است. اما باید در نظر داشت که وقتی کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی خانواده یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. عدم رضایت‌مندی، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت جدایی قانونی پیوند ازدواج می‌شود (معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری ۱۳۹۵). وقتی خانواده کارکردهای اساسی خود را از دست بدهد، شاید اصرار بر باقی ماندن ساختار شکلی آن، به دور از سیاست مطلوب خانواده و جامعه باشد.

در کنار همه این موضوعات نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که تغییرات خانواده از جمله افزایش طلاق یک روند جهانی است. بنابراین لازم است ایران در مقایسه با دیگر کشورها دیده شود. در نظر داشتن موقعیت ایران در جهان، به میزان زیادی، پیش‌داوری‌های افراطی و تفریطی را کاهش می‌دهد. برای مثال فن باول^۱ و همکارانش (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که حتی در خود اروپا نیز فردی شدن خانواده ابعاد پیچیده‌ای دارد و نمی‌توان به راحتی از طلاق به عنوان افول جایگاه خانواده سخن گفت.

به طور کلی بایستی عنوان کرد برای اثربخشی بیشتر سیاست‌ها چند نکته ضروری است: اینکه تغییرات در خانواده ایرانی به عنوان بخشی از تغییرات جهانی در خانواده در نظر گرفته شود. لذا سیاست‌ها بایستی بر اساس واقعیات جامعه تدوین شوند نه ایده‌آل‌های سیاستمداران. همچنین اجرای بسته‌های سیاستی به جای سیاست‌های منفرد، ثبات و سازگاری این سیاست‌ها، دریافت نظر خبرگان در حوزه خانواده، توجه به سنخ‌های مختلف طلاق و بررسی تجربه سایر کشورها می‌تواند موفقیت بیشتر برنامه‌ها را به دنبال داشته باشد.

قدردانی

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "تغییرات ازدواج، طلاق و فرزندآوری در ایران: تحلیل داده‌های ملی در سه دهه اخیر" بوده که با حمایت مالی پژوهشکده مطالعات فناوری انجام شده است. بدینوسیله از همکاران پژوهشکده مطالعات فناوری، خانم دکتر صدیقه رمضانی (همکار طرح) و خانم دکتر مژگان خوشنام (ناظر طرح) قدردانی می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، جواد (۱۳۹۵) بررسی رویکرد قوانین خانواده در قبال مسئله طلاق، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، فروردین ۱۳۹۵: ۴۸-۴۶.
- احمدی، علی‌یار؛ فیضی، میلاد؛ کریمی، حامد (۱۳۹۸) تعیین کننده‌های باروری زیر حد جایگزین زنان کُرد مطالعه موردی: زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر سنج، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۴۸: ۹۷-۱۲۰.
- اعمی بنده قرایی، حسن؛ سیدی، سید محمد؛ مختاری ترشیزی، حامد؛ صالح‌نیا، نرگس (۱۴۰۲). رابطه بیکاری، تورم و مشارکت زنان در بازار کار با روند طلاق در ایران رفاه اجتماعی، ۲۳(۸۹)، ۴۴-۹. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-fa.html۴۱۵۰-۱>
- امامی، عادل؛ عسکری ندوشن، عباس؛ ترکاشوند مرادآبادی، محمد؛ ترابی، فاطمه (۱۴۰۰). تأخیر ازدواج در ایران: تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوی مجرد مردان و زنان، دو فصلنامه مطالعات جمعیتی، ۱۷(۱): ۳۵-۶۵.
- امانی، زکیه؛ زهراکار، کیانوش؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۹۸). شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۴(۴۷): ۵۹-۸۱.
- باجلان، اکرم؛ ارحامی، آسیه (۱۳۹۸). سیاست‌های کاهش طلاق در کشور: تحولات قوانین طلاق، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۲۴۸-۲۱۶.
- باقری، شهلا؛ مداحی، جواد و لطفی خاچکی، طاهره. (۱۳۹۸). برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی دانشجویان دختر شهر مشهد)، زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۱)، ۴۳-۶۹. doi: 10.22059/jwdp.2019.262156.1007456
- بگی، میلاد؛ حسینی، حاتم. (۱۴۰۰). تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران: کاربرد مدل چندسطحی، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۳): ۳۳-۴۴.
- بگی، میلاد. (۱۴۰۱). نقش طلاق در تغییر ترتیبات زندگی با تأکید بر تمایزات جنسیتی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۲): ۲۰-۱.
- بگی، میلاد. (۱۴۰۲). دلایل و تعیین‌کننده‌های تأخیر ازدواج در ایران. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۴(۱)، ۳۱-۵۰. doi: 10.22108/jas.2022.134561.2312
- بنی‌هاشمی، فریبا سادات؛ علی‌مندگاری، ملیحه؛ کاظمی‌پور، شهلا؛ غلامی فشارکی، محمد (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر میزان طلاق استان‌های ایران با استفاده از مدل تحلیل مسیر، دو فصلنامه مطالعات جمعیتی، ۴(۲): ۲۱۰-۱۸۱.
- پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۵). اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ترابی، فاطمه؛ شمس قهفرخی، زهرا. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در ایران و جهان. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۶(۳۲)، ۱۴۱-۱۷۵. doi: 10.22034/jpai.2022.547779.1219
- حسینی، محمدرضا؛ هدایتی، منصوره؛ محمدزاده، فاطمه (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات انجام‌شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱(۳): ۱۵۱-۱۲۶.
- حسینی، سید حسن؛ عزیزی، مینا (۱۳۹۵). بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات زن و خانواده، ۴(۱): ۳۴-۷.
- حیاتی مژگان؛ سلیمانی، شهلا (۱۳۹۷). پیامدهای طلاق برای فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی. رویش روان‌شناسی، ۷(۱۱): ۲۷۳-۲۸۸.
- خانی، سعید. (۱۴۰۲). افزایش طلاق یا رکود ازدواج؟ تأملی بر روند تحولات شاخص‌های ازدواج و طلاق در ایران طی ۱۵ سال اخیر. تدویم و تغییر اجتماعی، ۲(۱)، ۲۵-۴۳. doi: 10.22034/jssc.2023.19288.1053
- دماری بهزاد، مسعودی فرید حبیب الله، حاجبی احمد، درخشان نیا فریبا، احسانی چیمه الهام (۱۴۰۱). روند شاخص‌ها، عوامل مؤثر و مداخلات طلاق در ایران. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۲۸(۱)، ۷۶-۸۹. <http://ijpcp.iums.ac.ir/article-fa.html۳۲۶۲-۱>

- رشادی، منوچهر؛ قیصریان، اسحاق (۱۴۰۱). مطالعه پدیده تأخیر سن ازدواج در بین جوانان استان ایلام. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۱۱(۲): ۹۱-۱۱۸. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-fa.html%۱۵۴۲>
- روشنی، شهره؛ تافته، مریم؛ خسروی، زهره (۱۳۹۸). فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) و ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن برای زنان و فرزندان، زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۴): ۶۷۴-۶۵۳.
- زارعان، منصوره؛ سدیدپور، سمانه سادات (۱۳۹۵). فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی، بررسی مسائل اجتماعی/ایران، ۷(۲): ۲۱۸-۱۹۱.
- شهانواز، سارا؛ اعظم آزاده، منصوره (۱۳۹۷). فراترکیب مطالعات مجرد در ایران، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان: ۱۶(۴)، ۷۸-۴۳.
- صادقی، رسول (۱۳۹۶). نگرش نسبت به پیامدهای طلاق و تأثیر آن بر تمایل زوجین جوان به طلاق در شهر تهران، نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۲۰۵-۲۲۲.
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ محمودیان، حسین؛ صادقی، رسول؛ قربانی، زهرا (۱۳۹۷). تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران، نامه انجمن جمعیت شناسی/ایران، ۱۳(۲۶): ۶۶-۳۷.
- عسکری ندوشن، عباس؛ شمس قهفرخی، مهری؛ شمس قهفرخی، فریده (۱۳۹۸). تحلیلی از مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی مرتبط با طلاق در ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۲)، ۱۶-۱. doi: 10.22108/srsp.2019.116983.1402
- فتحی، الهام (۱۳۹۶). نگاهی آماری به وضعیت طلاق در ایران در دهه‌های اخیر، مجله آمار، شماره ۲۸، ۳۰-۲۷.
- فروتن، یعقوب؛ کرمی، فرشاد (۱۳۹۵). الگوها و تعیین کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۲۱، ۱۰۱-۷۲.
- فیروزجانیان، علی‌اصغر؛ صادقی، سهیل؛ جان‌محمدی لرگانی، وحید؛ لطفی، طاهره (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران، مطالعات زنان و خانواده، ۶(۲): ۱۴۳-۱۱۱.
- قاسمی اردهایی، علی؛ منافی، آذر؛ محمودیانی، سراج الدین (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر در تعداد فرزندان زنان متأهل شهرستان اهر، مطالعات راهبردی زنان، ۸۱: ۱۶۶-۱۴۳.
- قمری گیوی، حسین؛ خشنودیای چماچایی، بهنام (۱۳۹۵). مقایسه مهارت‌های اجتماعی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در فرزندان با والدین مطلقة، متقاضی طلاق و عادی. خانواده پژوهی، ۱۲(۱): ۹۲-۶۹.
- قنبری برزبان، علی؛ سلمان‌وندی، شاپور؛ فاطمی، نرگس السادات (۱۳۹۷). تأملی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر گرایش به ازدواج مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۳: ۵۴-۳۳.
- کارگر فلاح، ام‌البنین؛ پور یوسفی، حمید (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به زندگی مجردی و مجرد قطعی، پژوهش‌های جامعه شناختی، ۱۱(۲): ۷۷-۵۲.
- کاظمی‌پور، شهلا؛ خوشنویس، اعظم (۱۳۹۲). فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه سطح، روند و تعیین‌کننده‌های طلاق در ایران و کشورهای منتخب طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵، مطالعات جمعیتی، ۱(۱): ۵۹-۳۳.
- محمودیانی، سراج الدین؛ احمدی، علی‌یار؛ عباسی، کبری (۱۳۹۸). بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده و کنش‌های فرزندآوری زنان شهر لار، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۸۵: ۹۸-۷۳.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای تأثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت در شهر تهران، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳۲: ۲۰۲-۱۷۱.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). تعداد طلاق‌های ثبت شده در مناطق شهری و روستایی، در دسترس در: amar.org.ir
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۱). قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، در دسترس در دسامبر ۲۰۲۲ در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99628>

- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۳). منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، در دسترس در دسامبر ۲۰۲۲ در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/101171>
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۹). قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، در دسترس در دسامبر ۲۰۲۲ در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۱). قانون حمایت خانواده، در دسترس در دسامبر ۲۰۲۲ در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/840814>
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶). قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در دسترس در دسامبر ۲۰۲۲ در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>
- معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۵). تک نگاشت خانواده، در دسترس در دسامبر ۲۰۲۲ در: <https://women.gov.ir/print/15006>
- ملتفت، حسین؛ شهپری، داود؛ محبی میمندی، مهیار؛ هاشمی، فاطمه (۱۳۹۹). بررسی پویایی طلاق در ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۳، خانواده‌پژوهی، ۱۶(۶۴): ۵۴۷-۵۶۸.
- نیازی، محسن؛ عسکری کویری، اسما؛ الماسی بیدگلی، احسان؛ نوروزی، میلاد؛ نورانی، الناز (۲۰۱۸). فراتحلیل مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۶، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۱۵(۴): ۱۷۷-۲۰۲.
- Aghajanian, A., & Thompson, V. (2013). Recent divorce trend in Iran. *Journal of Divorce & Remarriage*, 54(2), 112-125. <https://doi.org/10.1080/10502556.2012.752687>
- Andreß, H. J., Borgloh, B., Bröckel, M., Giesselmann, M., & Hummelsheim, D. (2006). The economic consequences of partnership dissolution—A comparative analysis of panel studies from Belgium, Germany, Great Britain, Italy, and Sweden. *European Sociological Review*, 22(5), 533-560.
- Cherlin, A. J. (2004). The deinstitutionalization of American marriage. *Journal of Marriage and Family*, 66(4), 848-861. <https://doi.org/10.1111/j.0022-2445.2004.00058.x>
- Daneshfar, F., & Keramat, A. (2023). Sexual dysfunction and divorce in Iran: A systematic review. *Journal of Family Medicine and Primary Care*, 12(3), 430-439. DOI: 10.4103/jfmmpc.jfmmpc_991_22
- De Vaus, D., Gray, M., Qu, L., & Stanton, D. (2017). The economic consequences of divorce in six OECD countries. *Australian Journal of Social Issues*, 52(2), 180-199.
- Doherty, W. J., Kalantar, S. M., & Tarsafi, M. (2021). Divorce ambivalence and reasons for divorce in Iran. *Family process*, 60(1), 159-168. <https://doi.org/10.1111/famp.12539>
- Eslami, M., Yazdanpanah, M., Andalib, P., Rahimi, A., Safizadeh, M., Dadvar, A., & Nakhaee, N. (2020). Marital satisfaction and emotional divorce among Iranian married individuals: A survey of hospital visitors of nine provinces. *Journal of education and health promotion*, 9(1), 83. DOI: 10.4103/jehp.jehp_570_19
- Fagan, P. F. (2001). Encouraging marriage and discouraging divorce. *Heritage Foundation Backgrounder*, 26, 3-5.
- Farzanegan, M. R., & Gholipour, H. F. (2016). Divorce and the cost of housing: evidence from Iran. *Review of Economics of the Household*, 14, 1029-1054.
- Fineman, M. A. (1983). Implementing Equality: Ideology, Contradiction and Social Change. *Wisconsin Law Review*, 789-886, <https://ssrn.com/abstract=2132217>
- Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love, and Eroticism in Modern Societies*. Stanford University Press.
- González, L., & Viitanen, T. K. (2009). The effect of divorce laws on divorce rates in Europe. *European Economic Review*, 53(2), 127-138.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence*. Cambridge University Press.
- Jaberi, S., Etemadi, O., Fatehizade, M., & Rabbani Khorasgani, A. (2022). Iranian women's divorce style: A qualitative study. *Family process*, 61(1), 436-450. <https://doi.org/10.1111/famp.12655>
- Koski, A., & Heymann, J. (2018). Child marriage in the United States: how common is the practice, and which children are at greatest risk? *Perspectives on Sexual and Reproductive Health*, 50(2):59-65. <https://doi.org/10.1363/psrh.12055>.

- Leopold, T. (2016). Gender differences in the consequences of divorce: a multiple-outcome comparison of former spouses. SOEP paper, No. 841.
- Lesthaeghe, R., & Neidert, L. (2006). The second demographic transition in the United States: Exception or textbook example? *Population and Development Review*, 32(4), 669-698. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2006.00146.x>
- Mirzaee, Zahra., Maarefvand, Masoomeh., Mousavi, Mir Taher., Pourzand, Nilufar., Hossienzadeh, Samaneh., & Khubchandani, Jagdish (2021). Stakeholders' perspectives on girls' early marriage in Maneh and Samalqan, Iran. *Children and Youth Services Review*, 122:1-9. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105900>.
- Mo, L. (2016). A review of the determinants of divorce: A cross-national perspective. *International Journal of Sociology of the Family*, 29-47.
- Nakhaee, N., Eslami, M., Yazdanpanah, M., Andalib, P., Rahimi, A., Safizadeh, M., & Dadvar, A. (2020). Reasons for seeking a divorce in Iran. *Journal of Social and Personal Relationships*, 37(10-11), 2863-2870. <https://doi.org/10.1177/0265407520923041>
- Rijken, A. J., & Liefbroer, A. C. (2012). European views of divorce among parents of young children: Understanding cross-national variation. *Demographic Research*, 27, 25-52.
- Sadeghi, R., & Agadjanian, V. (2019). Attitude and propensity to divorce in Iran: Structural and ideational determinants. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(6), 479-500. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1586228>
- Sobotka, T., Matysiak, A., & Brzozowska, Z. (2019). Policy responses to low fertility: How effective are they. *United Nations Population Fund*, 98.
- Stevenson, B., & Wolfers, J. (2007). Marriage and Divorce: Changes and their Driving Forces. *Journal of Economic Perspectives*, 21 (2): 27–52. DOI:10.1257/jep.21.2.27
- Uunk, W. (2004). The economic consequences of divorce for women in the European Union: The impact of welfare state arrangements. *European Journal of Population/Revue europeenne de demographie*, 20(3), 251-285.
- United Nations (2018). Crude divorce rate per 1000 people, Retrieved on 2024 October at: <https://ourworldindata.org/marriages-and-divorces>
- Wardle, L.D. (1991). No-Fault Divorce and the Divorce Conundrum. *BYU Law Review*, 1, 79-142. Available at: <https://digitalcommons.law.byu.edu/lawreview/vol1991/iss1/22>
- Zhang, M. (1997). *China's current state of divorce affairs*. *Population Studies* 6: 26–31.